



# مدرس‌ان شریف

## فصل اول

### «ابعاد اقتصادی جغرافیای شهری»

#### مقدمه

در این فصل جغرافیای شهری و شهر را تعریف می‌کنیم و ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. با پایان عصر استعمار و تسلط استعمار نو، شهرهای کشورهای جنوبی خود را در دام مسائل و مشکلات عدیده‌ای دیدند. بیشتر این مسائل با اوضاع اجتماعی - اقتصادی این کشورها غیرقابل حل می‌نمود و با آنچه در تاریخ شهرنشینی و شهرگرایی اروپا به وقوع پیوسته بود، تفاوت‌های بسیاری داشت. فراشهرنشینی که در کشورهای جنوب باعث ایجاد مادرشهرهای ۸، ۱۵ و ۲۹ میلیون نفری گردید، نشان‌دهنده عمق بیماری در ساختارهای اجتماعی - اقتصادی آنهاست. این روند که حاصل تسلط استعمار نو، ساخت‌های ناهمگون داخلی و در نهایت، تبعیت کورکورانه از اقتصاد روستایی است، کلیت نظام اجتماعی - اقتصادی کشورهای جنوب را در معرض خطر قرار داده است. با توجه به وجود وابستگی، بیکاری، کمبود درآمد، بیماری و آلودگی‌نشینی در قرن بیستم، جستجوی افق‌ها و دیدگاه‌های تازه در جغرافیا، به‌ویژه در جغرافیای شهری، ضروری است. این مسأله در برنامه‌ریزی توسعه نیز جای بحث دارد؛ بدین ترتیب که:

- ۱- در زمان ما منطق جغرافیای شهری، منطق معرفت به شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژی نظام حاکم است.
- ۲- شهر پدیده‌ای مستقل و خودگردان نیست، بلکه بخشی از ساختار جامعه و نمودی از اوضاع تأمل‌برانگیز آن است. در واقع، کشف مسائل پیچیده شهری، کشف حقایق فضای جغرافیایی کشورهاست.
- ۳- عناصر سیستم شهری عبارت‌اند از: تمرکز منابع مالی و انسانی، انباشت سرمایه، فعالیت بازارها، مدیریت نظام، فعالیت‌های تولیدی، روابط اجتماعی و در نهایت تجدخواهی جامعه. محیط زندگی فقیران شهری نیز بخشی از این سیستم‌ها را تشکیل می‌دهد. سیستم شهری کشورهای جنوب همواره تضادها و تناقض‌های بسیاری را به نمایش می‌گذارد.

📖 نکته ۱: در کشورهای جهان سوم، شهر به صورت «شهرهای دهقانی» درآمد است.

۴- تحلیل اکولوژیک شهرها در واقع تبیین نظام اجتماعی کشورهاست و میزان توانمندی و ضعف این نظام را نشان می‌دهد.

📌 مثال ۱: مهم‌ترین عاملی که کلیت نظام اجتماعی - اقتصادی کشورهای جهان سوم را در معرض خطر قرار داده است، کدام است؟

(۲) استعمار نو

(۱) تبعیت کورکورانه از اقتصاد روستایی

(۴) آلودگی‌نشینی

(۳) ساخت ناهمگون داخلی

✅ پاسخ: گزینه «۲» تسلط استعمار نو به عنوان مهم‌ترین عامل کلیت نظام اجتماعی - اقتصادی، کشورهای جهان سوم را به دلیل وابستگی به اقتصاد جهانی در معرض نابودی قرار داده است.

#### تعاریف جغرافیای شهری

- ۱- جغرافیای شهری روی نظام فضایی و موقعیت شهر تأکید دارد و نظیر سایر شاخه‌های علم جغرافیا، علل پراکندگی مکان‌های شهری، تشابهات و تناقضات اجتماعی - اقتصادی میان آنها را در ارتباط با شرایط مکانی مطالعه می‌کند. با توجه به تعاریف فوق، تحلیل و تأکید در جغرافیای شهری بر پایه موارد زیر صورت می‌گیرد:
  - الف - نظام داخلی شهرها و ماهیت الگوها به ویژه کاربری زمین و حوزه‌های اجتماعی شهرها
  - ب - بررسی روند این الگوها و شکل‌گیری آنها در طول زمان



۲- جغرافیای شهری، الگوهای فضایی پدیده‌های شهری را هم از نظر پراکندگی فضایی و هم از جهت تأثیر متقابل فضایی آنها و همچنین روندها را در داخل شهرها مطالعه می‌کند. این تعریف از جغرافیای شهری بیشتر پوزیتیویستی است و روش‌های آماری و مدل‌ها را به خدمت می‌گیرد. در واقع، در جغرافیای شهری در یک طرف جغرافیای سیستماتیک (نظام‌یافته) و در طرف دیگر جغرافیای ناحیه‌ای قرار می‌گیرد. از این رو جنبه‌های فضایی توسعه شهری از دو نقطه نظر بررسی می‌شوند:

**الف- درون شهری:** در این قسمت، شهر به عنوان یک پدیده مجزا و منفک در سیستم سکونتگاهی مورد مطالعه قرار می‌گیرد که مباحثی چون کیفیت کاربری زمین، مورفولوژی شهری کارکرد شهر، میزان توسعه شهر و حوزه‌های اجتماعی داخل شهرها در قلمرو آن قرار می‌گیرد.

**ب- برون شهری** یا تأثیرات متقابل فضایی یک حوزه شهری در حوزه شهری دیگر: در اینجا تأثیرات مادرشهرهای جهانی در مادرشهرهای ملی - ناحیه‌ای و تأثیرات شهر مسلط به سایر شهرها و نواحی کشور و وابستگی فضایی (شهر یا ناحیه) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم پراکندگی فضایی در جغرافیای شهری یعنی شکل‌گیری پدیده‌های شهری در سطوح خطی، شبکه‌ای، سطحی و نظایر. در تأثیر متقابل فضایی، آمدوشد روزانه از محل کار به مرکز خرید، جابه‌جایی محله مسکونی و مسکن در داخل شهرها و ... بررسی می‌شود.

کج مثال ۲: کدام یک از مکاتب زیر تشکیل‌دهنده جغرافیای شهری می‌باشد؟

(۱) جغرافیای ناحیه‌ای (۲) جغرافیای جبرگرا (۳) جغرافیای امکان‌گرا (۴) جغرافیای فضایی

پاسخ: گزینه «۱» در جغرافیای شهری در یک طرف جغرافیای سیستماتیک و در طرف دیگر جغرافیای ناحیه‌ای قرار می‌گیرد. از این رو جنبه‌های فضایی توسعه شهری از دو نقطه نظر برون شهری و درون شهری بررسی می‌شوند.

### قلمروهای جغرافیای شهری

شهرنشینی علت و محصول تغییرات مهمی است که از پراکندگی جغرافیایی مردم و فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی آنها در مکان ویژه‌ای به وجود آمده است. شاید بتوان از پدیده‌های شهر و شهرنشینی به شرح زیر یاد کرد:

- ۱- شهر و شهرنشینی به عنوان تسلط امر تراکم در همه سازمان‌ها، مؤسسات و واحدهای مسکونی و افزایش جمعیت مکان‌های ویژه
  - ۲- شهر به عنوان کانون اصلی عرضه خدمات به جمعیت متراکم در شهر و منطقه نفوذ آن
  - ۳- شهر به عنوان تمرکز فعالیت‌های اجتماعی غیرکشاورزی در سکونتگاهی انسانی
  - ۴- شهرنشینی به عنوان تسلط شیوه خاص زندگی و بیانگر سیر مدنیت و تمدن جوامع انسانی
- به تعبیر ژان گوتمن، جغرافیدان معروف انگلیسی، جغرافیای شهری از موقع طبیعی شهر، مشخصات جمعیتی و فعالیت‌های اجتماعی این جمعیت، سازمان‌های اجتماعی و سیاسی و بالاخره از محیط ساخته شده، که محصول فیزیکی انسان است، بحث و گفتگو می‌کند.

**نکته ۲:** در دوره‌های گذشته و به طور سنتی، جغرافیای شهری از موقع و موضع، وسعت، شکل، کارکرد مورفولوژی و سازمان‌های داخلی شهرها بحث می‌کرد؛ اما به موازات توسعه شهرها و افزایش جمعیت شهرهای بزرگ، ظهور مسائل گوناگون و پیچیده اجتماعی - اقتصادی در داخل شهرها و ورود شهرهای بزرگ جهان سوم به سیستم اقتصادی جهانی، ابعاد تازه‌ای در جغرافیای شهری به وجود آمد و تحلیل دقیق سیاسی و اجتماعی را در قلمرو جغرافیای شهری سبب شد.

امروزه، جمعیت‌یابی شدید شهرها به همراه مسائل اجتماعی - اقتصادی آنها شکل کاملاً تازه‌ای از شهر، شهرنشینی و شهرگرایی به وجود آورده است که با آنچه در نیم قرن قبل در شهرها دیده می‌شد تفاوت‌های زیادی دارد. روشن است که لازم بود جغرافیای شهری نیز ابعاد و قلمروهای تازه‌ای بجوید تا محیط زیست شهری شایسته‌ای جهت ساکنان شهرها فراهم آورد. از این رو امروزه، در بررسی‌های جغرافیایی از شهرها از این موارد سخن به میان می‌آید: ایدئولوژی حاکم بر شهرها، تحلیل تصمیمات حکومتی در ارتباط با خلق فضای فیزیکی و اجتماعی در شهرها، وابستگی به اقتصاد جهانی در جهت بررسی مسائل مهم شهرهای جهان سوم، عدالت اجتماعی و کیفیت دسترسی مردم شهرها به نیازهای اساسی، مکان‌گزینی همه سازمان‌ها و تأسیسات شهری نظیر کارخانه‌ها، پارک‌ها، بیمارستان‌ها، مناطق مسکونی، مناطق تجاری و صنعتی، مناطق فرهنگی، فرودگاه‌ها و ترمینال‌های مسافری، مدارس، درمانگاه‌ها، منطقه گذران اوقات فراغت، حوزه‌های اجتماعی، علل دوقطبی شدن شهرهای جهان سوم و ده‌ها موضوع شهری. از این رو، جهت‌گیری جغرافیای شهری برای ورود به قلمروهای تازه کاملاً با اقتصاد سیاسی، سیستم‌های اقتصادی و نظام‌های حکومتی پیوند می‌خورد.

برخلاف سابق که مکان‌های شهری در برابر مکان‌های روستایی قرار می‌گرفت، امروزه سیستم‌های شهری به صورت حوزه‌های مادرشهری، منطقه شهرنشین، مجموعه‌های شهری و بالاخره در شکل مگالاپلیس ظاهر می‌شوند که در همه آنها مادرشهرها، شهرهای بزرگ، شهرهای میانی، شهرک‌ها و روستاها، در داخل مجموعه‌ها و سیستم‌های سلسله مراتبی قرار می‌گیرند و یک واحد منسجم و به هم پیوسته شهری را تشکیل می‌دهند که از شرایط سیستمی تأثیر می‌پذیرد و بر خورد سیستمی می‌طلبد. این سیستم شهری و سلسله مراتبی نه تنها به ناحیه جغرافیای شهر سامان می‌دهد، بلکه در جهان سوم از سیستم‌های مادرشهرهای جهانی شدیداً نیرو می‌گیرد.



در جغرافیای شهری سنتی، روی شرایط طبیعی، موقع و یا تنها بر مورفولوژی شهرها تأکید می‌شد. امروزه، در جغرافیای شهری از شرایط فیزیکی حاکم بر شهرها دور شده و به جای آن، همه پدیده‌های شهری در ارتباط با ایدئولوژی اهداف نظام‌های حکومتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ زیرا محیط ساخته شده شهری و ساخت فضایی از سیاست نظام‌های حکومتی نشئت می‌گیرد و گروه‌های انسانی و فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی آنها را در نقاط معین شهری جای می‌دهد.

جغرافیای شهری جدید با تحلیل ارزش‌های اجتماعی - اقتصادی کشورها، ساخت فضایی شهرها را بررسی می‌کند. امروزه، به هنگام مطالعه شهرهای انگلستان نقش تاج‌پریم در ده سال اخیر در امر مسکن، خانه‌سازی برای طبقه کم‌درآمد، بالا رفتن بیکاری در شهرها، که همه به نوعی در کیفیت زندگی در شهرهای انگلیسی مؤثر هستند، با موازین علمی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ملاحظه می‌شود که ارزش‌های اجتماعی - متأثر از تفاوت‌های فرهنگی - مورفولوژی شهری و شرایط زندگی را در شهرهای بزرگ به شکل‌های گوناگون سامان می‌دهد.

**نکته ۲:** مورفولوژی شهر همواره با کارکرد آن پیوند محکمی دارد.

انتقال صنایع از بخش مرکزی شهرها به فضاهای بیرونی و حومه‌ها می‌تواند فعالیت و کارکرد کتابخانه‌ها، موزه‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها را افزایش دهد و به همراه آن مورفولوژی بخش مرکزی شهرهای بزرگ نیز دچار دگرگونی شود. نتیجه می‌گیریم که در زمان ما تغییرات اجتماعی و اقتصادی سریع‌تر از تغییرات فیزیکی صورت می‌گیرد و محیط زیست انسانی نه از تغییرات فیزیکی بلکه از تغییرات اجتماعی تأثیر فوری می‌پذیرد. **امروزه در جغرافیای شهری، مفاهیم رشد و توسعه شهر به عنوان فرآیند اجتماعی و سیاسی بیش از سایر موضوعات بررسی و مطالعه می‌شود.**

در شهرهای امروزی، مسائل اجتماعی شهرها تنها با احداث خیابان‌ها و منطقه‌بندی شهری نمی‌تواند حل شود، بلکه نگرش دوباره به شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه شهری و ناحیه‌ای بیش از برنامه‌ریزی فیزیکی می‌تواند به رفاه اجتماعی مردم شهر بینجامد و به گسترش عدالت اجتماعی در جامعه امکان دهد. چنین طرز تفکری به‌ویژه در جغرافیای شهری کشورهای جهان سوم باید اساس کار محسوب شود و همه مسائل و پدیده‌های شهری با این معیار مورد ارزیابی قرار بگیرند.

**مثال ۳:** جغرافیای شهری جدید با تحلیل چه مواردی ساخت فضایی شهرها را بررسی می‌کند؟

(۱) ارزش‌های اجتماعی - اقتصادی (۲) تفاوت‌های فرهنگی (۳) مورفولوژی شهری (۴) کارکرد شهرها

پاسخ: گزینه «۱» جغرافیای شهری جدید با تحلیل ارزش‌های اقتصادی - اجتماعی کشورها، ساخت فضایی شهرها را بررسی می‌کند.



**مثال ۴:** در جغرافیای شهری، دو نوع نگرشی که در داخل مکتب ساختارگرایی مورد توجه می‌باشند، عبارت‌اند از:

(۱) اقتصادی - فضایی (۲) اقتصادی - نهادی (۳) نهادی - سوسیالیستی (۴) فضایی - ناحیه‌ای

پاسخ: گزینه «۳» در جغرافیای شهری و در داخل مکتب ساختارگرایی دو نوع نگرش نهادی - سوسیالیستی مورد توجه است.

## جغرافیای شهری چیست؟

جغرافیای شهری در چهل سال گذشته، مانند دیگر شاخه‌های علم جغرافیا متأثر از مکتب پوزیتیویسم منطقی و سیستم‌های شهری، ساخت شهر و نظریه‌های مکانی را مورد تأکید قرار داده است؛ اما در سال‌های اخیر، به‌ویژه در دهه ۱۹۸۰، جغرافیای شهری بیشتر متأثر از دو مکتب زیر بوده است:

۱- مکتب ساخت‌گرایی یا مکتب جغرافیای ساختاری: این مکتب بیشتر بر شناخت عمیق نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی در شهرها تأکید می‌کند؛ نابرابری‌هایی که در نتیجه آن‌ها، تخصیص فضایی منابع محدود در شهرها به وجود آمده است. به تعبیر عده‌ای از جغرافیدانان، مکتب ساخت‌گرایی به سمت عدالت اجتماعی در شهرها پیش می‌رود.

۲- مکتب رفتارگرایی یا مکتب جغرافیای رفتاری: این مکتب به تحلیل سازمان فضایی شهرها و رفتار فضایی داخل این الگوی سازمانی توجه می‌کند. مفهوم پراکندگی فضایی در جغرافیای شهری دلیل شکل‌گیری پدیده‌های شهری در سطوح خطی، شبکه‌ای، سطحی و نظایر آن شناخته می‌شود و تأثیر متقابل فضایی آمدوشد روزانه از محل کار به مرکز خرید، جابه‌جایی محله مسکونی، مسکن داخل شهرها و موضوعاتی از این قبیل در آن بررسی می‌شود.



**کلمه مثال ۵:** تحلیل اکولوژیک شهرها میزان توانمندی و ضعف کدام یک از نظام‌ها را نشان می‌دهد؟

- (۱) نظام اقتصادی (۲) نظام سیاسی (۳) نظام اجتماعی (۴) نظام فرهنگی

**پاسخ:** گزینه «۳» با توجه به وجود وابستگی میان بیکاری، کمبود درآمد، بیماری و آلودگی‌نشینی در قرن بیستم، جستجوی افق‌ها و دیدگاه‌های تازه‌ای در جغرافیا و به‌ویژه در جغرافیای شهری ضروری است. این مسأله در برنامه‌ریزی توسعه بستر مناسبی است. بدین ترتیب که تحلیل اکولوژیک شهرها در واقع تبیین نظام اجتماعی شهرهاست و میزان توانمندی و ضعف این نظام را نشان می‌دهد.

**کلمه مثال ۶:** جغرافیای شهری بر کدام یک از موارد زیر تأکید دارد؟

- (۱) نظام فضایی و سیستم شهری (۲) سیستم شهری و موقعیت شهر (۳) موقعیت شهر و سیستم شهری (۴) نظام فضایی و موقعیت شهر

**پاسخ:** گزینه «۴» جغرافیای شهری بر نظام فضایی و موقع شهر تأکید دارد و مانند دیگر شاخه‌های علم جغرافیا، علل پراکندگی مکان‌های شهری و تشابهات و تناقضات اجتماعی - اقتصادی میان آن‌ها را با توجه به شرایط مکانی مطالعه می‌کند. با توجه به تعریف مذکور، تحلیل و تأکید در جغرافیای شهری بر نظام داخلی شهرها و ماهیت الگوها، به ویژه کاربری زمین و حوزه‌های اجتماعی شهرها، همچنین بررسی روند این الگوها و شکل‌گیری آن‌ها در طول زمان صورت می‌گیرد.

**کلمه مثال ۷:** کدام مکتب در جغرافیای شهری به سمت عدالت اجتماعی می‌رود؟

- (۱) مکتب رفتارگرایی (۲) مکتب رفتاری (۳) مکتب ساختاری (۴) مکتب فضایی

**پاسخ:** گزینه «۳» مکتب ساختاری یا ساختارگرایی بر شناخت عمیق نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی تأکید می‌کند و به تعبیر عده‌ای از جغرافیدانان به سمت عدالت اجتماعی پیش می‌رود.

## دو موج بزرگ در تحولات جغرافیای شهری

به نظر عده‌ای از جغرافیدانان، بین سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۶۰ جغرافیای شهری در مسیر تکاملی خود متأثر از دو موج بزرگ علمی - فلسفی، رنگ اجتماعی و فلسفی بیشتری می‌پذیرد.

**نکته ۴:** موج اول: این موج تحولات اجتماعی در جغرافیای شهری بوده است.

ویژگی‌های موج اول بدین شرح است:

۱- برخورد اکولوژیک: در این مکتب، علاوه بر ادامه مباحث مکتب اکولوژی شهری شیکاگو، بر تحلیل حوزه‌های اجتماعی و اکولوژی تطبیقی در شهرها تأکید می‌شود.

۲- اقتصاد جدید شهری: در نگرش اقتصادی جدید شهری، شهر به صورت متوازن، یک‌هسته‌ای و بدون توجه به سیاست بخش عمومی و عملکردهای اقتصاد آزاد و قیمت‌ها در مسأله ساختمان و بهای زمین مطالعه می‌شود.

۳- برخورد رفتاری: در این رویکرد تأکید بر رفتار فردی در محیط شهری بیش از رفتار گروهی است و به تحلیل رفتاری تصمیمات فردی و تأثیرات آن در فضای شهری توجه می‌شود.

موج دوم: مواردی که در موج دوم قابل بررسی‌اند، عبارت‌اند از:

۱- مکتب نئووبری: این مکتب به طور گسترده از نظریات ماکس وبر تأثیر پذیرفته است. در این مکتب برخلاف مکتب مارکسیسم، اقتصاد عامل تعیین‌کننده نیست و مکتب نئووبری برای عامل فرهنگ پیش از عامل اقتصاد، اعتبار علمی قائل است.

۲- برخورد انسان‌گرایی: در جغرافیای انسان‌گرا درباره سه مکتب پدیدارشناسی، اگزستانسیالیسم و ایده‌آلیسم، آثار، نوشته‌ها و تحقیقات فراوانی ارائه شده است.

۳- برخورد نئومارکسیستی: در دهه ۱۹۷۰ به دلیل ظهور مسائل گوناگون در اوضاع اجتماعی - اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری توسعه‌یافته، برخی از جغرافیدانان هنگام مطالعه جغرافیای شهری به دیدگاه نئومارکسیستی توجه کرده، شهرهای سرمایه‌داری را با توجه به قوانین شیوه‌های تولید سرمایه‌داری بررسی کرده‌اند.

**نکته ۵:** در مکتب انسان‌گرایی بر سازمان اجتماعی بیش از سازمان فضایی تأکید می‌شود.

**کلمه مثال ۸:** دیدگاه نئومارکسیستی در کدام دهه در جغرافیای شهری توسعه یافت؟

- (۱) ۱۹۷۰ (۲) ۱۹۸۰ (۳) ۱۹۹۰ (۴) ۱۹۶۰

**پاسخ:** گزینه «۱» در دهه ۱۹۷۰ به دلیل ظهور مسائل گوناگون در اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری، برخی جغرافیدانان دیدگاه نئومارکسیستی را توسعه دادند.



## مدرسان شریف

### فصل دوم

#### «مکتب‌های جغرافیای شهری»

#### مقدمه

جغرافیای شهری به سبک جدید از اوایل قرن بیستم شروع شد. اولین بررسی‌های علمی درباره این شاخه جغرافیا با مطالعات کی. هاسرت و آر. بلانشار انجام شد. این دو جغرافیدان بر تحلیل موقع و موضع شهر تأکید می‌کردند. با مطالعات آنان، تغییراتی در قلمرو جغرافیای شهری ایجاد شد. ابتدا در پیرایش، ساخت و توسعه شهرها به تأثیرات عوامل خارجی بیش از عوامل و اوضاع داخلی توجه می‌شد:

- ۱- شهرها در محل تلاقی سیستم‌های حمل‌ونقل به وجود می‌آمدند.
- ۲- نظریه‌های اقتصادی تنها در زمینه ارزش زمین و اجاره‌بها، سهولت دسترسی و وضعیت کانون برخورد مسیرها به کار می‌رفتند.
- ۳- از سال ۱۹۲۵ به بعد، مکتب جامعه‌شناسی دانشگاه شیکاگو در مطالعات شهری، اکولوژی اجتماعی شهرها را مورد توجه قرار داد.

#### روش‌های کمی و جغرافیای شهری

بعد از سال ۱۹۵۰ دو نظریه تازه علمی، علم جغرافیا به‌ویژه جغرافیای شهری را تحت تأثیر قرار داد:

۱- در سال ۱۹۵۳، فرد کی شیفر از فلسفه تفاوت‌های مکانی - که به وسیله ریچارد هارتشورن در سال ۱۹۳۹ مطرح شد و تعاریف و مفاهیم جدیدی بر علم جغرافیا افزود - به شدت انتقاد کرد. وی به جغرافیدانان پیشنهاد داد که به جای «تفاوت‌های مکانی» در بحث از مفاهیم اصلی جغرافیا «قوانین مورفولوژی الگوها» را به کار گیرند.

۲- نظریه‌های علمی تورستن هاگستراند در زمینه «نظریه پخش پدیده‌های جغرافیایی» مورد توجه همکاران شیفر قرار گرفت. بعد از سال ۱۹۶۰، روش‌های آماری و کمی وارد مباحث علم جغرافیا شد که ابتدا در ایالات متحده و بعد در انگلستان طرفداران بسیاری یافت. معروف‌ترین جغرافیدانان آمریکایی و انگلیسی که در علم جغرافیا روش‌های کمی را در مسیرهای تازه‌ای قرار دادند، عبارت‌اند از: برایان بری، ریچارد چورلی، استن گریگوری و پتر هاگت

در این میان، روش علمی برایان بری بسیار مؤثر بود. او برای اولین بار در تاریخ علم جغرافیا با روش‌های کمی به تحلیل الگوهای سکونتگاهی پرداخت و با توجه به میزان جمعیت، موقعیت شهرها، شهرک‌ها، روستاها، محله‌ها و مراکز ناحیه‌ای در یافتن نظام فضایی با روش‌های کمی، توفیق بسیاری به دست آورد. وی در جغرافیای شهری از بزرگان نظریه «اصل تحقیق‌پذیری» به شمار می‌رود.

در دهه ۱۹۶۰، بار دیگر اکولوژی اجتماعی با نگرش‌ها و ابعاد تازه‌ای مورد توجه قرار گرفت؛ بدین سان که ساخت داخلی شهرها را با تأکید بر مراحل اکولوژیک، هجوم، توالی و جدایی‌گزینی با تأثیرپذیری از داروین‌یسم اجتماعی مورد تحلیل قرار دادند. برخورد رفتاری در جغرافیا با سیر تکاملی جغرافیای شهری از طریق مطالعه الگوهای حرکت شروع می‌شود. در این مکتب جغرافیایی، رفتار مصرف‌کنندگان شهری هنگام مراجعه به مراکز خدماتی شهرها و بهره‌گیری از آن به‌دقت از لحاظ علمی بررسی می‌شود.

گام دوم در این مرحله، مطالعه روند حرکت‌های درون‌شهری مردم محله‌های مختلف شهر است که به مسیرهای جدید در اکولوژیک تطبیقی می‌انجامد.

از این مرحله به بعد، جغرافیای شهری به قلمرو تازه‌ای به نام «پدیدارشناسی جغرافیایی» می‌رسد. این مکتب جغرافیایی که متأثر از مکتب فلسفی پدیدارشناسی است، اندیشه‌های به‌کارگیری الگوهای علوم طبیعی را در پدیده‌های اجتماعی رد می‌کند. از این رو در جغرافیای شهری، مکتب پدیدارشناسی اعتقادات، باورها و ایدئولوژی‌های هر جامعه شهری را با جوامع شهری کشورهای دیگر متفاوت می‌داند. در این نگرش، تحت عنوان اصول و قوانین جغرافیای شهری، تصمیم آنچه در شهرهای جهان سرمایه‌داری توسعه یافته و صنعتی به دست آمده است، به شهرهای نواحی مختلف جغرافیایی، فاقد اعتبار علمی است. در دهه ۱۹۷۰، روش‌های کمی و برخوردارهای نظریه‌ای و رفتاری به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. این انتقادات بیشتر از طرف مکتب‌های رادیکال و ساختارگرایی بود.

از نظر پیتر هاگت، هم اکنون دو روند اصلی در برابر کارآموزان جغرافیا قرار گرفته است:

۱- سیستم اکولوژیک: در این سیستم، روابط و وابستگی‌های میان انسان و محیط بررسی می‌شود.

**نکته ۱:** در این دیدگاه، در جغرافیای انسانی پیشرفته عصر حاضر، تحلیل مسائل شهری به عنوان «یک سیستم اجتماعی ناحیه‌ای» اساس کار در جغرافیای شهری قرار می‌گیرد؛ بدین سان که شهر هم به منزله یک واحد و هم داخل یک سیستم ناحیه‌ای بررسی می‌شود.

۲- سیستم فضایی: در این سیستم، روابط و وابستگی میان یک مکان با مکان دیگر یا یک ناحیه با ناحیه دیگر در یک روند مبادله‌ای و مجموعه‌ای مطالعه می‌شود.

**کلمه مثال ۱:** کدام یک از جغرافیدانان پیشنهاد کرد که به جای تفاوت‌های مکانی، قوانین مورفولوژی الگوها را به کار ببرند؟

- (۱) تورستن هاگستراند (۲) فردکی شیفر (۳) ریچارد هارتشون (۴) استن گریگوری

**پاسخ:** گزینه «۲» فردکی شیفر در سال ۱۹۳۹ به جغرافیدانان پیشنهاد داد در بحث مفاهیم اصلی جغرافیا قوانین مورفولوژی الگوها را به کار ببرند.

**کلمه مثال ۲:** کدام مکتب در جغرافیای شهری به کارگیری الگوهای علوم طبیعی در پدیده‌های اجتماعی را رد می‌کند؟

- (۱) پدیدارشناسی (۲) تفاوت‌های مکانی (۳) اکولوژیک تطبیقی (۴) جغرافیای رفتاری

**پاسخ:** گزینه «۱» پدیدارشناسی جغرافیایی که متأثر از مکتب فلسفی پدیدارشناسی است، اندیشه‌های به‌کارگیری الگوهای علوم طبیعی در پدیده‌های اجتماعی را رد می‌کند.

## جغرافیای شهری و اقتصاد جهانی

عده‌ای از جغرافیدانان در تغییرات ساختار شهرهای زمان ما، به‌ویژه شهرهای جهان سوم، بر وابستگی کشورها به سیستم اقتصاد جهانی تأکید دارند. در جغرافیای شهری، شهرهای آمریکایی به پنج طبقه تقسیم می‌شوند: ۱- شهرهای اداری ۲- مراکز نوآوری ۳- شهرهای تولیدی ۴- شهرهای وارداتی انباری و صادراتی ۵- شهرهای بازنشستگان

در نگرش شهر در اقتصاد جهانی با سلسله‌مراتب جهانی مربوط به شهر روبه‌رو هستیم که بازتابی از تصمیم‌گیری‌های سلسله‌مراتبی سازمان‌ها و شرکت‌های چندملیتی است. در این نگرش، فضایی و کیفیت ساختاری و اکولوژیک و شهرها، تنها با توجه به سیستم اقتصاد جهانی با توجه به ساخت شهرها، به‌ویژه شهرهای بزرگ و میانی است؛ بدین سان که ساخت داخلی شهرهای خاورمیانه، ژاپن و ایالات متحده همواره داخل سیستم اقتصاد جهانی بررسی می‌شود؛ پس در ساخت جغرافیایی شهرهای امروزی، یک عامل پر قدرت خارجی (بین‌المللی) در توسعه شهری از نیروهای مؤثر و گاهی تعیین‌کننده به شمار می‌رود که تنها عامل مؤثر در توسعه شهری نخواهد بود، بلکه به همراه عوامل مؤثر داخلی عمل می‌کند.

جغرافیدانان معتقد به اکولوژی تطبیقی از شهرها، با در نظر گرفتن کلیت جامعه، که شهر نیز جزئی از آن است، در یک حالت تطبیقی مقایسه‌ای و با توجه به فرهنگ و نظام جامعه درباره شهرها مطالعه می‌کنند؛ مثل شهرهای جهان اسلام، شهرهای کشورهای پیشرفته و صنعتی، شهرهای جهان سوم و شهرهای کشورهای سوسیالیستی

**کلمه مثال ۳:** در نگرش شهر در اقتصاد جهانی با ..... مربوط به شهر روبه‌رو هستیم.

- (۱) توسعه شهری (۲) اقتصاد شهری

- (۳) سلسله‌مراتب جهانی (۴) اقتصاد جهانی

**پاسخ:** گزینه «۳» در نگرش شهر در اقتصاد جهانی با سلسله‌مراتب جهانی مربوط به شهر مواجه هستیم که بازتابی از تصمیم‌گیری‌های شرکت‌های چندملیتی است.



## مکتب ساختارگرایی و جغرافیای شهری

جغرافیدانان این مکتب معتقدند که در علم جغرافیا و جغرافیای شهری، پدیده‌های گوناگون فضای زندگی را نمی‌توان جداگانه و مستقل از یکدیگر مطالعه کرد؛ بدین‌سان که در این علم، هر پدیده‌ای با توجه به مجموعه پدیده‌ها بررسی می‌شود. در واقع در مکتب ساختارگرایی، پدیده‌های جغرافیایی یا شهری به صورت مجزا در کنار هم قرار نمی‌گیرند، بلکه هر پدیده جغرافیای شهری جزئی از کل ساختاری است و تنها درون این ساختار می‌توان آن را تحلیل کرد؛ زیرا کل ساخت فضای زندگی بر هر پدیده جغرافیای شهری اثر می‌گذارد.

در مکتب ساختارگرایی، شهرها و پدیده‌های شهری بخشی از یک جامعه وسیع‌تر محسوب می‌شوند و برای شناخت عمیق‌تر و منطقی‌تر مسائل شهری باید کل جامعه، که شهر نیز جزئی از آن است، مورد بررسی قرار گیرد. از این رو، در موضوعات و مباحث جغرافیای شهری، شهر نباید مستقل و جدا از دیگر اوضاع جامعه بررسی شود.

**کج مثال ۴:** کدام مکتب بیشتر بر شناخت عمیق نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی در شهرها تأکید دارد؟

- (۱) انسان‌گرایی (۲) پوزیتیویسم (۳) ساخت‌گرایی (۴) نئووبری

پاسخ: گزینه «۳» جغرافیدانان مکتب ساخت‌گرایی بیشتر بر شناخت عمیق نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی در شهر تأکید دارند.

## مکتب اقتصاد کلاسیک جدید و جغرافیای شهری

در مکتب اقتصاد کلاسیک جدید، بیشترین سود برای مصرف‌کننده و بیشترین نفع برای تولیدکننده از طریق عامل رقابت به دست می‌آید که تنظیم و متعادل‌کننده تولید با مصرف است. در این مکتب، در کاربری زمین بر آزادی انتخاب خانواده‌ها و بنگاه‌ها تأکید می‌شود و عدم کنترل و محدودیت مورد نظر است.

**کج مثال ۵:** چه کسی به جغرافیدانان پیشنهاد داد که در بحث از مفاهیم اصلی جغرافیا «قوانین مورفولوژی الگوها» را به کار ببرند؟

- (۱) کی. هاسرت (۲) آر. بلانشارد (۳) فرد کی شیفر (۴) ژرژ کهل

پاسخ: گزینه «۳» در سال ۱۹۵۳ فردکی شیفر از فلسفه تفاوت‌های مکانی که به وسیله ریچارد هارتشورن در سال ۱۹۳۹ مطرح شد و تعاریف و مفاهیم جدیدی بر علم جغرافیا افزود - به‌شدت انتقاد کرد. وی به جغرافیدانان پیشنهاد داد که به جای «تفاوت‌های مکانی» در بحث از مفاهیم اصلی جغرافیا «قوانین مورفولوژی الگوها» را به کار گیرند.

**کج مثال ۶:** در جغرافیای شهری، پدیدارشناسی جغرافیایی در مقابل کدام نگرش قرار می‌گیرد؟

- (۱) مکتب پوزیتیویسم منطقی (۲) داروینیسم اجتماعی (۳) نگرش فضایی (۴) دیدگاه اکولوژیک

پاسخ: گزینه «۱» مطالعه روند، حرکت‌های درون‌شهری مردم محله‌های مختلف شهر است که به مسیرهای جدید در اکولوژیک تطبیقی می‌انجامد. از این مرحله به بعد، جغرافیای شهری به قلمرو تازه‌ای به نام «پدیدارشناسی جغرافیایی» می‌رسد. این مکتب جغرافیایی که متأثر از مکتب فلسفی پدیدارشناسی است، اندیشه‌های به‌کارگیری الگوهای علوم طبیعی را در پدیده‌های اجتماعی رد می‌کند؛ از این رو در جغرافیای شهری، پدیدارشناسی جغرافیایی در مقابل نگرش‌های مکتب پوزیتیویسم و برخورد رفتاری قرار می‌گیرد.

**کج مثال ۷:** در چهل سال گذشته، جغرافیای شهری مانند دیگر شاخه‌های علم جغرافیا از ..... تأثیر پذیرفته است.

- (۱) پوزیتیویسم منطقی (۲) ساختارگرایی (۳) رفتارگرایی (۴) عدالت اجتماعی

پاسخ: گزینه «۱» در چهل سال گذشته جغرافیای شهری به شدت از پوزیتیویسم منطقی سود برده است.

## لیبرالیسم، رادیکالیسم و جغرافیای شهری

جغرافیای رادیکال بین سال‌های ۱۹۸۰ - ۱۹۷۳، بازتابی علیه جنگ ویتنام، گسترش عدالت اجتماعی برای همه طبقات جامعه و آلودگی‌های محیطی است. در این مکتب تأکید بر مسائل اجتماعی - اقتصادی اساس کار جغرافیدانان قرار می‌گیرد. در این دوره لیبرال‌ها وارد اردوگاه سوسیالیست‌ها می‌شوند و با تأثیرپذیری از تفکرات سوسیالیستی، توسعه شهر و مسائل آن را بررسی می‌کنند. در این دوره برای رفاه اجتماعی مردم درباره مکان‌گزینی خدمات عمومی تحقیقات ارزشمندی انجام می‌گیرد. لیبرال‌ها در جست‌وجوی چنان رفاه اجتماعی بودند که برای مطلوب ساختن نظام اندک‌اندک بدان عمل شود. این تفکرات در جناح چپ لیبرال‌ها مطرح می‌شد. پتر هال، نگرش‌های متفاوت فکری و فلسفی جغرافیدانان لیبرال با جغرافیدانان رادیکال را ناشی از این موارد می‌داند:

۱- لیبرال‌ها و اثبات‌گرایان به فلسفه پوزیتیویسم منطقی معتقدند؛ در حالی که جغرافیدانان رادیکال بر این نکته تأکید می‌کنند که امر شهرنشینی محصول سیستم‌های مشخص اجتماعی - اقتصادی است و ساخت داخلی شهرها و تفاوت‌های موجود در کاربری زمین در شهرها باید با توجه به عامل رسیدن به حداکثر سود تبیین شود.

۲- به نظر جغرافیدانان رادیکال، شهر اساساً محصول نیروهای اقتصادی است.

۳- امروزه کارکردهای شرکت‌های چندملیتی در چند شهر جهانی متمرکز شده است؛ جایی که این شرکت‌ها بر دیگر شهرها و حومه‌های سراسر دنیا نظارت دارند؛ زیرا طلب سود بیشتر و در نتیجه عامل رقابت جزء سیستم شرکت‌های چندملیتی است که به صورت دائمی و پایدار عمل می‌کنند. دیوید هاروی در سال ۱۹۷۳ معروف‌ترین کتاب خود را با عنوان عدالت اجتماعی و شهر منتشر کرد. او در این کتاب بر سه مفهوم اساسی تأکید دارد: (۱) مفهوم مازاد (۲) شیوه یکپارچه اقتصادی (۳) مفاهیم سازمان فضایی

**نکته ۲:** هاروی معتقد است وظیفه اصلی شهر و شهرگرایی تثبیت نوع خاصی از شیوه تولید است.

اما گاهی همین شهر در نقش کانون اصلی انقلاب در برابر نظام تثبیت‌شده ظاهر می‌شود و گاهی با تمرکز جغرافیایی تولید مازاد اجتماعی، که نتیجه تولید و تمرکز شیوه یکپارچه اقتصادی است، به کار خود ادامه می‌دهد. چنین می‌نماید که دیوید هاروی در ردیف آن گروه از جغرافیدانانی باشد که به وابستگی میان روند اجتماعی و شکل‌های فضایی معتقدند و در جغرافیای شهری در جست‌وجوی یافتن وابستگی وسیع میان شهرگرایی و روند رشد اقتصادی موجود هستند.

**مثال ۸:** در کدام مکتب تأکید بر مسائل اجتماعی - اقتصادی اساس کار جغرافیدان قرار می‌گیرد؟

(۱) جغرافیای رادیکال (۲) جغرافیای لیبرال (۳) جغرافیای رفتاری (۴) جغرافیای ساختارگرایی

پاسخ: گزینه «۱» جغرافیای رادیکال بین سال‌های ۱۹۸۰ - ۱۹۷۳ گسترش پیدا کرد و در این مکتب تأکید بر مسائل اجتماعی - اقتصادی اساس کار جغرافیدان محسوب می‌شود.

**مثال ۹:** عدالت و رفاه اجتماعی از چه دهه‌ای در جغرافیای شهری شکل گرفت؟

(۱) ۱۹۶۰ میلادی (۲) ۱۹۷۰ میلادی (۳) ۱۹۸۰ میلادی (۴) ۱۹۹۰ میلادی

پاسخ: گزینه «۲» از سال ۱۹۷۰ به بعد عدالت اجتماعی در جغرافیای شهری شکل گرفت.

## مکتب اکولوژی شهری

در شصت سال گذشته، مکتب اکولوژی شهری شیکاگو بیش از دیگر مکتب‌ها بحث‌هایی در جغرافیای شهری مطرح کرده است. رابرت پارک یکی از بنیان‌گذاران این مکتب است. در این مکتب در زندگی اجتماعی شهرها، طرح اکولوژی گیاهی ارنست هاکل به کار گرفته شده است؛ زیرا بنیان‌گذاران مکتب شیکاگو معتقدند که گروه‌های شهری با هر پایگاه اجتماعی و اقتصادی و قومی، مانند گونه‌های گیاهی، با حرکت به سوی تعادل و توازن، همه مراحل اکولوژیک را در زیستگاه خویش در طول زمان طی می‌کنند.

**نکته ۳:** در سال ۱۹۱۶ مکتب شیکاگو در مطالعات شهری به وجود آمد که رابرت پارک، ارنست برگس و رودریک مکنزی از بزرگان این مکتب در آن زمان هستند. مکتب شیکاگو چند دهه بر جامعه‌شناسی شهری، جغرافیای شهری و اقتصاد شهری همه دانشگاه‌های دنیا تأثیر گذاشت و پایه همه مطالعات شهری در چهار گوشه دنیا قرار گرفت.





مکتب اکولوژی شهری شیکاگو از تفکرات زیر متأثر بوده است:

- ۱- دیدگاه داروینیسیم اجتماعی: اساس نظریه‌های این مکتب، قیاس بیولوژیک زیستی بود. در این نظریه، گروه‌های اجتماعی شهر برای فضایی، درست مانند گونه‌های گیاهی و حیوانی عمل می‌کنند؛ یعنی مراحل اکولوژیک نفوذ و توالی به روشنی در جامعه شهری و بین گروه‌های اجتماعی دیده می‌شود و در این مراحل اکولوژیک، مرحله توسعه، تراکم، کاهش تراکم و سرانجام جدایی‌گزینی گروه‌های اجتماعی را به وضوح می‌توان تشخیص داد.
- ۲- اقتصاد نئوکلاسیک: از خصوصیات مکتب جدید آن بود که معتقدان به این مکتب، علم اقتصاد را براساس تنها اصل مسلم که «انسان در جست‌وجوی تمتع بیشتر با کوشش کمتر است» پایه‌گذاری کردند. مکتب اقتصاد نئوکلاسیک از مکتب اقتصاد کلاسیک متأثر بود که اصول آن عبارت‌اند از:

- ۱- آزادی کسب و کار
- ۲- عدم دخالت دولت در امور اقتصادی
- ۳- همراهی نفع فردی و اجتماعی
- ۴- اهمیت صنعت، صنعت منشأ تجارت

انتقاد وارد شده به مکتب مطالعات شهری شیکاگو این است که این مکتب، داروینیسیم اجتماعی را در مورد شهرها با سکوت به کار گرفته است و شکل‌گیری خاص شهرها را در آزادی امپریالیسم به یک نظام طبیعی عمومی نسبت داده است.

کلمه مثال ۱۰: در مکتب اکولوژی شهری در زندگی اجتماعی شهرها، طرح اکولوژی گیاهی از کیست؟

- (۱) رابرت پارک (۲) ارنست هاگل (۳) ژان گاتمن (۴) پیتر هال

پاسخ: گزینه «۲» در مکتب اکولوژی شهری در زندگی اجتماعی شهرها، طرح اکولوژی گیاهی ارنست هاگل به کار گرفته شد.

کلمه مثال ۱۱: در شهرهای در حال توسعه امروزی، کدام عامل تعیین‌کننده اکولوژی اجتماعی شهرهاست؟

- (۱) اقتصادی (۲) سیاسی (۳) فرهنگی (۴) اجتماعی

پاسخ: گزینه «۱» در مکتب اکولوژی اجتماعی در شهرهای در حال توسعه عامل کلیدی اقتصاد است.

کلمه مثال ۱۲: مراحل هجوم و توالی اکولوژیک کدام‌اند؟

- (۱) هجوم - نفوذ - تراکم - تثبیت (۲) نفوذ - هجوم - تثبیت - تراکم (۳) هجوم - تسلط - تراکم - تثبیت (۴) هجوم - توالی - تثبیت - نفوذ

پاسخ: گزینه «۲» در مکتب اکولوژیک شهری، توالی اکولوژیکی و مراحل هجوم به صورت نفوذ، هجوم، تثبیت و تراکم است.

## مکتب نئواکولوژیک و جغرافیای شهری

رنسانس واقعی در مطالعات اکولوژیک با کار آموس هاوولی در سال ۱۹۵۰ شروع شد. بعد از این تاریخ، عامل فرهنگ اساس مطالعات اکولوژیک و تنها عامل مؤثر در تفاوت‌یابی و ویژگی میان گروه‌های اجتماعی قرار گرفت. در این دوره، عامل اقتصادی اعتبار لازم خود را به دست آورد و در تبیین شاخص‌های اجتماعی و شاخص‌های اقتصادی به کار گرفته شد.

نکته ۴: در مکتب نئواکولوژیک، وابستگی میان ساختارهای اجتماعی و ساختارهای اقتصادی اساس کار قرار می‌گیرد.

قشربندی‌های اجتماعی شهرها با همه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این مکتب با بحث جالب لوئیز ورث با عنوان «شهرگرایی شیوه زندگی» فعالیت علمی خود را آغاز کرد. وی بیش از اوضاع فضایی شهرگرایی بر ویژگی‌های فرهنگی آن تأکید می‌کند. با پایه‌گذاری مکتب جدید اکولوژیک، تحلیل جدایی‌گزینی اکولوژیک در مسیر مطالعه طبقات جامعه و جدایی‌گزینی فضایی آن‌ها قرار می‌گیرد و در هر یک از حوزه‌های اجتماعی، نگرش‌ها و رفتارها بررسی می‌شود.

نکته ۵: به طور کلی، رقابت اکولوژیک بازتاب روشنی از جهت‌گیری‌های نفع‌طلبانه تصمیم‌گیرندگان بر قدرت شهری محسوب می‌شود و حوزه‌های طبیعی یا حوزه‌های اجتماعی شهرها نیز نمی‌توانند به مدت طولانی به صورت حوزه‌های طبیعی باقی بمانند.

کلمه مثال ۱۳: فعالیت علمی مکتب نئواکولوژیک با کدام بحث علمی شروع شد؟

- (۱) تفکرات فرهنگی (۲) شاخص‌های اجتماعی (۳) شاخص‌های اقتصادی (۴) شهرگرایی شیوه زندگی

پاسخ: گزینه «۴» در مکتب نئواکولوژیک وابستگی میان ساختارهای اجتماعی و اقتصادی اساس کار است و این مکتب با بحث لوئیز ورث با عنوان شهرگرایی شیوه زندگی فعالیت علمی خود را آغاز کرد.



# مدرس‌ان شریف

## فصل سوم

### «مادرشهرها»

#### مقدمه

متروپلیس یا مادرشهر ریشه یونانی دارد و از دو کلمه (meter) مادر و (Police) شهر ترکیب شده است.

تاکنون از مادرشهر مفاهیم و تعاریف مختلفی ارائه شده است که علمی‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱- مادرشهر شهری است که از نظر مرکزیت دولتی و فعالیت اقتصادی یا فرهنگی بر دیگر سکونتگاه‌ها برتری دارد. این شهر ممکن است شهر اصلی یک ناحیه، یک استان، یا یک کشور و گاهی پایتخت آن باشد. بر مبنای این تعریف، عنوان مادرشهر را می‌توان در مورد هر شهر بزرگ به کار برد.

۲- در نظریه مکان مرکزی، مادرشهر به شهری گفته می‌شود که حداقل دارای یک میلیون نفر جمعیت باشد و در سلسله‌مراتب شهری بتواند به صورت مرکزی تحت کنترل اقتصاد جدید درآید و بر ناحیه‌ای دارای پنج میلیون تا سی میلیون نفر جمعیت مسلط شود.

۳- مادرشهر مکانی است که در آن حداقل ۵۰۰ هزار نفر در فاصله زمانی ۴۵ دقیقه تا مرکز شهر زندگی می‌کنند و وسیله پیمودن این فاصله نیز در دسترس اکثر جمعیت شهر است.

۴- ناحیه مادرشهر به مناطقی گفته می‌شود که تحت تأثیر مادرشهر قرار می‌گیرند و در مکانی به فاصله زمانی دو ساعت تا مرکز مادرشهر واقع شده‌اند. داخل ناحیه مادرشهر، شهرک‌های اقماری و حومه‌ها قرار می‌گیرند.

عده‌ای از جغرافیدانان، مادر شهر را چنین تعریف می‌کنند:

یک شهر مرکزی با حداقل ۳۰۰۰۰۰ نفر جمعیت که با منطقه نفوذش حداقل ۴۰۰۰۰۰ نفر جمعیت باشد، یک مادرشهر است؛ زیرا یک شهر ۵۰۰۰۰ نفری در هیچ زمانی قادر نخواهد بود که نقش خود را به عنوان مرکز عمده فرهنگی، تجاری و یا دولتی به خوبی ایفا کند.

برخی از محققان نیز عقیده دارند که مادرشهر زمانی به عنوان یک مرکز شهری معرفی می‌شود که حداقل دارای ۳۰۰۰۰۰ نفر جمعیت باشد و همه حوزه‌های اطراف آن به شعاع ۱۶۰ کیلومتر و تقریباً با دو ساعت رانندگی در بزرگراه‌ها به مادرشهر بپیوندند.

با توجه به تعاریف مذکور، در بسیاری از کشورها مبنای شناخت مادرشهرها از شهرهای معمولی میزان جمعیت است؛ چنانچه در ایالات متحده بعد از سال ۱۹۶۰، شهرهایی که حداقل ۵۰ هزار نفر جمعیت داشتند «مادرشهر» (متروپلیتن) خوانده می‌شدند که بخش‌های مجاور آنها از طریق آمدوشد روزانه، وابستگی نزدیک اجتماعی - اقتصادی با مادرشهر خود برقرار می‌کردند.

کج مثال ۱: در کدام نظریه، مادرشهر باید حداقل یک میلیون جمعیت داشته باشد؟

- (۱) نظریه مکان مرکزی (۲) نظریه پخش (۳) نظریه سلسله‌مراتب شهری (۴) نظریه انقلاب شهری

پاسخ: گزینه «۱» در نظریه مکان مرکزی، مادرشهر به شهری گفته می‌شود که حداقل دارای یک میلیون نفر جمعیت باشد.

کج مثال ۲: این تعریف مربوط به کدام یک از گزینه‌های زیر است؟

«یک شهر مرکزی و اصلی است که در پیرامون خود کانون‌های فرعی جمعیت و فعالیت به وجود آورده است.»

- (۱) مادرشهر (۲) کلان‌شهر (۳) مجموعه‌ی شهری (۴) منظومه‌ی شهری

پاسخ: گزینه «۱» در تعریف مادر شهر اشاره شده است که مادرشهر یک شهر مرکزی و اصلی است که در پیرامون خود کانون‌های فرعی جمعیت و

فعالیت را به وجود آورد.



## سه ویژگی مهم مادرشهرها

۱- **عدم تمرکز مادرشهرها:** در دوره‌های قبل از انقلاب صنعتی و بعد از آن، شهر کانون جاذبه به شمار می‌رفت. مردم از نقاط دور و نزدیک به شهر جذب می‌شدند. تا اوایل قرن بیستم، شهرها علی‌رغم وسعت محدود و تراکم جمعیت خودکفا و بی‌نیاز بودند.

در دوره جدید، حرکت به سوی مراکز شهری شتاب بیشتری یافت. با تغییرات تکنولوژیک در وسایل حمل‌ونقل، ماشینی شدن کشاورزی و ایجاد راه‌های جدید، مردم روستاها از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد شهری رسیدند که عده‌ای از کارشناسان از این دوره به عنوان «انقلاب شهری» نام می‌برند. با ایجاد حمل‌ونقل جدید و ارتباطات پیشرفته، مردم شهرها توانستند محل زندگی خود را دور از شهرها انتخاب کنند. جابه‌جایی آنها ابتدا از طریق قطارهای بین شهری و حومه‌ای صورت گرفت، سپس با استفاده از تراموای برقی تکامل یافت و در مرحله آخر، بیشتر مردم شهرها با اتومبیل به حومه‌ها و شهرک‌های خوابگاهی می‌رفتند.

۲- **تخصص‌یابی:** دومین ویژگی جامعه مادرشهری، سطح بالای تخصص‌یابی است که داخل مرزهای آن دیده می‌شود. **بازتاب این تخصص‌یابی در کیفیت کاربری زمین و موارد تجاری و صنعتی به روشنی مشاهده می‌شود،** بدین سان که بخش‌های داخلی هر مادرشهر یا مناطق داخلی آن هر یک به فعالیت کارکرد ویژه‌ای اختصاص می‌یابد که مراکز خرید، منطقه اداره‌ها، منطقه صنعتی شهر، منطقه مسکونی و منطقه گذران اوقات فراغت از آن جمله است.

۳- **وابستگی متقابل:** یکی از نتایج عدم تمرکز و تخصص‌یابی، **وابستگی متقابل است:** بدین ترتیب که با افزایش تنوع شغلی شهروندان و شرکت‌ها، وابستگی مناطق داخلی شهرها و حومه‌ها به مادرشهر اصلی بیشتر می‌شود؛ در نتیجه جامعه مادرشهری از لحاظ فیزیکی دارای یک بافت منسجم اجتماعی است و در نهایت، همه شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قومی حوزه مادرشهر در یک قالب فیزیکی - اجتماعی به هم می‌پیوندند.

**کلمه مثال ۳:** کدام یک از موارد زیر جزء ویژگی مهم مادرشهرها نیست؟

- (۱) عدم تمرکز مادرشهرها (۲) تخصص‌یابی (۳) وابستگی متقابل (۴) کانون جاذبه

پاسخ: گزینه «۴» سه ویژگی مهم مادرشهرها عبارت‌اند از: وابستگی متقابل، تخصص‌یابی و عدم تمرکز مادرشهرها

## توپوگرافی اجتماعی مادرشهرها

جوامع مادرشهری، شبکه‌ای از وابستگی‌های اجتماعی را به وجود می‌آورند که داخل یک حوزه جغرافیایی مشخص انسجام می‌یابد. داخل حوزه‌های جغرافیایی مادرشهر، محلات و گروه‌های متعدد اجتماعی، قومی و اقتصادی دیده می‌شوند که جغرافیدانان در قلمرو جغرافیای اجتماعی شهرها (اکولوژی اجتماعی) به مطالعه این قبیل محلات و گروه‌ها می‌پردازند.

طبیعت و هویت مادرشهرها همانا در تهیه امکانات مساعد جهت زندگی همه طبقات، همه مذاهب و همه شرایط قومی می‌باشد. گفتنی است که داخل مادرشهرها تنها گروه‌های کوچک اجتماعی می‌توانند به تجانس و همگنی مورد نیاز دست یابند. آنچه در زیر می‌آید شش خصیصه جمعیتی و جامعه‌شناختی مادرشهری است که تغییراتی را در ساخت اجتماعی و شرایط اکولوژیکی حوزه‌های مادرشهری سبب می‌شود.

۱- **مادرشهر و حومه‌ها:** شهر مرکزی یا مادر شهر غالباً از مردمی با فرهنگ‌ها و پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی ناهمگن تشکیل می‌شود؛ در حالی که حومه‌های مادرشهری غالباً از این نظر یکدست می‌نماید.

جمعیت حومه‌ها را مردمی با آموزش‌های کافی و تخصصی و مهارت‌های لازم تشکیل می‌دهند و اغلب آنها طرفدار احزاب محافظه‌کار و یا جمهوریخواه می‌باشند. پس چهره اکولوژیک حوزه‌های مادرشهری در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از دو بخش کاملاً متفاوت، از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تشکیل می‌شود: **شهر و حومه**

حومه‌های مادرشهری، جامعه انسانی کوچکی را به وجود می‌آورد که در آنها محیط زیست سالم به دور از آلودگی هوا، آلودگی صوتی و ناهنجاری‌های اجتماعی، محیط انسانی دوست‌داشتنی و احساس مسئولیت نسبت به همه حومه‌نشینان به وجود می‌آید. با توجه به امتیازات حومه‌ها، طبق یک بررسی در سال‌های اخیر در حدود ۸۵ میلیون نفر در حومه‌های شهرهای آمریکایی زندگی می‌کردند که میزان آنها در پایان قرن بیستم به ۱۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. پاره‌ای از حومه‌های قدیمی و یا حومه‌های صنعتی گرفتار همان مسائلی هستند که در مادرشهرها دیده می‌شود.

۲- **مادرشهرها و متولدین خارجی:** مادرشهرهای کشورهای در حال توسعه در نتیجه‌ی مهاجرت‌های بی‌امان روستایی توسعه می‌یابند و در پاره‌ای از مادرشهرهای کشورهای توسعه‌یافته، مهاجرت‌های افراد خارجی در توسعه و گسترش مادرشهرها مؤثر است. اغلب مهاجران روستایی و مهاجران کشورهای خارجی در مادرشهرهایی اقامت می‌کنند که در آنها سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و یا خدماتی بیشتر می‌باشد و در مرحله بعدی، این قبیل مهاجران بنادر عمده را انتخاب می‌کنند که به صورت دروازه ورودی کشورها محسوب می‌شوند و در عین حال، زمینه‌های شغلی فراوانی را عرضه می‌کنند.



۳- مادرشهر و پایگاه زنان: در همه مادرشهرهای کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، زنان نسبت به مردان پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی پایین تری دارند و از نظر اخذ وام، فرصت‌های شغلی، امر استخدام سازمان‌ها و جمعیت‌ها و میزان درآمد با مشکلات فراوان روبه‌رو می‌باشند؛ به ویژه زمانی که سرپرستی خانواده خود را عهده‌دار می‌شوند و با درد و فقر و کودکان خود را بزرگ می‌کنند. این مسأله از ثروتمندترین تا فقیرترین کشورهای جهان را شامل می‌شود.

کج مثال ۴: مهاجران روستایی در کدام بخش مادرشهر اقامت می‌کنند؟

- (۱) تجارت (۲) کشاورزی (۳) خدمات (۴) حومه

پاسخ: گزینه «۳» اغلب مهاجران روستایی در مادرشهرهایی اقامت می‌کنند که در آنها سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و خدماتی بیشتر است

### اقتصاد مادرشهرها

مادرشهرهای امروزی کانون ثروت، قدرت، تولید انبوه، نوآوری‌های فرهنگی، انواع ایدئولوژی‌ها و سرانجام کانون مصرف انبوه محسوب می‌شوند؛ به عبارت دیگر، مادرشهرهای هر ملتی ثروت اقتصادی و اجتماعی آن ملت به شمار می‌آیند؛ به همین دلیل در برخی از کشورها تا ۷۵ درصد مردم در مادرشهرها زندگی می‌کنند. مادرشهرها مرکز بزرگ‌ترین سازمان‌های تجاری، مالی، بانکی، صنعتی و اجتماعی به شمار می‌روند؛ در نتیجه ساخت فیزیکی و اکولوژیک مادرشهرها به شدت تحت تأثیر اقتصاد شهری قرار می‌گیرد و نیروهای اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم در الگوهای زندگی مردم تأثیر می‌گذارند. بیشتر نیروی کار کشورها نیز در مادرشهرها به کار گرفته می‌شوند. چنانچه در ایالات متحده ۳/۴ نیروی کار در مادرشهرهای آمریکایی خدمت می‌کنند.

نکته ۱: حوزه‌های مادرشهری از نظر مشخصات اقتصادی، میزان درآمد، نوع کارکرد و تأثیرات جغرافیایی با یکدیگر متفاوت‌اند. به همین دلیل وحدت و تجانس که در زندگی مادرشهرها وجود دارد، بیشتر از اقتصاد شهری ناشی می‌شود.

کج مثال ۵: توسعه شهرهای بزرگ بیشتر از چه جهت مورد حمایت دانشمندان جغرافیدانان و برنامه‌ریزان فضایی قرار می‌گیرد؟

- (۱) کاهش هزینه (۲) امکان اشتغال (۳) امکانات خدماتی (۴) بازده بالای اقتصادی

پاسخ: گزینه «۴» در شهرهای بزرگ به دلیل تراکم بالای فعالیت‌ها، خدمات و امکانات و همچنین مواد اولیه‌ی در دسترس، بازده اقتصادی بالا است.

همچنین زندگی در یک شهر صنعتی، تجاری، دانشگاهی، خوابگاهی، پایتختی، توریستی، معدنی، بندری و زیارتی براساس اقتصاد شهری انجام می‌گیرد. هنگام مطالعه اقتصاد شهری، در جغرافیای شهری بررسی‌هایی درباره بازار کار، سطح اشتغال، پایگاه اقتصادی زنان، میزان درآمد در محله‌های شهری، نابرابری میزان درآمد گروه‌های شهری و نقش بخش‌های صنعتی، خدماتی، تجاری و فرهنگی در اقتصاد شهری صورت می‌گیرد. با توجه به موارد مذکور می‌توان گفت که آینده بخش مرکزی مادرشهرها به بخش خرده‌فروشی وابسته نخواهد بود، بلکه در مادرشهرها وابستگی بخش مرکزی به اشتغال در سازمان‌های اداری، خدماتی، پذیرایی و عملکردهای دولتی افزایش خواهد یافت.

اقتصاددانان کلاسیک معتقدند اقتصاد و سیاست نمی‌توانند جدا از هم عمل کنند. جامعه مادرشهری کارگاه تولید ثروت هر جامعه محسوب می‌شود و این تولید در چارچوب سیاست‌های دولتی توجیه‌پذیر است. همراهی و همگامی سیاست و اقتصاد چشم‌انداز بخش مرکزی شهرها را شکل می‌دهد و آن را دوام می‌بخشد یا تضعیف می‌کند.

کج مثال ۶: وحدت و تجانس در مادرشهرها ناشی از چیست؟

- (۱) اقتصاد شهری (۲) فرهنگ شهری (۳) سیاست شهری (۴) خدمات شهری

پاسخ: گزینه «۱» حوزه‌های مادرشهرها از نظر مشخصات اقتصادی با یکدیگر متفاوت‌اند؛ به همین دلیل وحدت و تجانس در زندگی مادرشهرها بیشتر ناشی از اقتصاد شهری است.

کج مثال ۷: طرفداران شهرهای بزرگ با توجه به چه اصولی تفکر خود را توجیه می‌کنند؟

- (۱) میزان بالای بهره‌وری اقتصادی (۲) برابری بهره‌وری و هزینه‌ها  
(۳) دسترسی به امکانات خدماتی بیشتر (۴) کاهش نسبی هزینه‌ها

پاسخ: گزینه «۱» طرفداران شهرهای بزرگ با توجه به صرفه ناشی از اقتصاد و میزان بالای بهره‌وری اقتصادی در شهرهای بزرگ تفکر خود را توجیه می‌کنند.



## مفهوم مگالاپلیس

مگالاپلیس یک کلمه یونانی است و استعمال آن سابقه تاریخی دارد. در نیم قرن گذشته، این عنوان ابتدا به وسیله پاتریک گدس به کار گرفته شد و در سال‌های گذشته نیز از طرف لوئیز مامفورد، متخصص معروف شهرهای متروپلیتن و سپس از جانب ژان گوتمن، جغرافیدان برجسته انگلیسی، به منطقه شهری وسیع و گسترده‌ای اطلاق می‌شود که از بوستون تا واشنگتن ادامه دارد.

امروزه، مگالاپلیس به منطقه وسیعی گفته می‌شود که بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت داشته و دارای بیش از یک مادرشهر (متروپلیس) باشد. به سخن دیگر، حومه‌ها و شهرک‌های یک مادرشهر در نتیجه‌ی توسعه وسایل ارتباطی و افزایش سرعت وسایل نقلیه با حومه‌ها و شهرک‌های مادرشهرهای دیگر پیوند می‌خورد و از پیوند آنها یک بافت زنجیری از مادرشهرها و شهرها به صورت وسیع‌ترین شکل شهری تشکیل می‌شود که در اصطلاح جغرافیایی بدان مگالاپلیس گفته می‌شود.

مگالاپلیس شکل یابی خود را از یک‌سری حوزه‌های پروسعت مادرشهری طلب می‌کند و توسعه خود را از پیشرفت‌های اقتصادی، تحولات تکنولوژیک، شرایط خاص فرهنگی و در نهایت از آهنگ تند شهرنشینی و شهرگرایی دریافت می‌کند. در تشکیل بافت زنجیری از حوزه‌های مادرشهری و ایجاد مگالاپلیس چندین عامل نظیر شرایط طبیعی، زمینه‌های مساعد طبیعی، عوامل اقتصادی، جغرافیای فرهنگی و گذشته تاریخی ناحیه مؤثر است.

در مگالاپلیس‌های جهان، شهرهای مرکزی، تراکم جمعیت را به شدت بالا می‌برند و به تدریج که از آنها فاصله بگیریم، کاهش سریع جمعیت در واحد سطح دیده می‌شود. میان حوزه‌های مادرشهری مگالاپلیس، چشم‌اندازهای طبیعی به سرعت به شکل واحدهای مسکونی، تأسیسات و سازمان‌های شهری درمی‌آید و بافت زنجیری حوزه‌های مادرشهری را استحکام می‌بخشد. از طرفی زمین‌های نیمه‌بایر، املاک پروسعت، پارک‌های طبیعی و پایگاه‌های نظامی، گسیختگی میان حوزه‌های مادرشهری در محدوده مگالاپلیس ایجاد می‌کند.

### کج مثال ۸: دورنمای آینده شهرهای جهان از نظر کالبدی کدام است؟

- (۱) دگرگونی بافت محله‌ای (۲) تقویت پایگاه محله‌ای (۳) تضعیف پایگاه محله‌ای (۴) تضعیف پایگاه عناصر شهری

پاسخ: گزینه «۳» شهرهای جهان با گذر زمان از نظر کالبدی دچار ضعف در پایگاه محله‌ای می‌شوند.

### مشخصات مگالاپلیس

۱- مگالاپلیس‌ها معمولاً شکل خطی یا کریدوری دارند و مسیر آن ممکن است در طول سواحل طبیعی و حوزه‌های منابع معدنی شکل بگیرد.  
۲- مگالاپلیس‌ها تراکم عظیمی از مردم، بانک‌ها، امور تجاری، شرکت‌های بیمه، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، مراکز پذیرایی و تفریحی و فعالیت‌های شدید حمل‌ونقل را در خود جای داده‌اند. این همه فعالیت‌های شهری با تراکم باور نکردنی فعالیت‌های دیگر نظیر مدیریت، تجارت، خرده‌فروشی، نمایندگی‌های مسافری، سازمان‌های تبلیغاتی، دفاتر وکلای حقوقی، کالج‌ها، دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی همراه می‌گردد و از این طریق تراکم چند برابر و چندهسته‌ای به وجود می‌آید.

۳- زمین‌های مگالاپلیس‌ها از نظر قیمت بر سایر زمین‌های شهر پیشی می‌گیرند و در هسته‌های اصلی و فرعی مگالاپلیس‌ها زمین قیمت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. هنگام وسعت‌یابی مگالاپلیس‌ها، زمین‌های حاصلخیز کشاورزی در مسیر به هم پیوسته حوزه مادرشهرها کمی از سرعت توسعه شهری می‌کاهد.

۴- بعضی از شهرهای مگالاپلیس با تخصص‌یابی به عنوان فعال‌ترین و پرتحرک‌ترین مراکز شهری جهان شناخته می‌شوند و به صورت بزرگ‌ترین مراکز علمی، هنری، سیاسی و اقتصادی جهان درمی‌آیند.

۵- اغلب حوزه‌های به هم پیوسته مگالاپلیس تحت نفوذ یک مرکز بزرگ نظیر نیویورک، شیکاگو و لس‌آنجلس قرار می‌گیرند و این مرکز بزرگ، نفوذ و قدرت زیادی در مگالاپلیس به دست می‌آورد.

۶- مگالاپلیس‌ها از حداکثر درآمد و ثروت برخوردار می‌شوند. بالا بودن درآمد و فعالیت‌های شدید اقتصادی و فرهنگی، تراکم شدید وسایل نقلیه را میان حوزه‌های مادرشهری مگالاپلیس سبب می‌شود. جریان دائمی ترافیک زمینی و خطوط هوایی، همچنین ارتباط تلفنی و تلویزیونی در محدوده مگالاپلیس همه سطوح آن را به هم پیوند می‌دهد.

۷- هر مگالاپلیس توسعه‌یابی خود را از زمین‌های کشاورزی حوزه‌های مادرشهری طلب می‌کند. بدین سان که با افزایش جمعیت در کانون‌های شهری مرتباً بر سکونت جمعیت شهری در بخش‌های کشاورزی افزوده می‌شود. ناگزیر، بخشی از زمین‌های کشاورزی زیر پوشش تأسیسات شهری و منطقه واحدهای مسکونی می‌رود و توسعه مگالاپلیس متوقف نمی‌شود و بعد از مدتی باز هم زمین‌های تازه‌ای می‌طلبند.



## مدرس‌ان شریف

### فصل چهارم

#### «نظریه‌های اجتماعی و شهرگرایی»

#### مقدمه

در دو دهه گذشته، جغرافیای شهری به شدت از نظریه‌های اجتماعی تأثیر پذیرفت و به افق‌های تازه علمی دست یافت. این نظریه‌ها و مکتب‌ها عبارت بودند از: رئالیسم، ایدئالیسم، داروینیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم، پوزیتیویسم، رادیکالیسم و غیره.

در مدتی نسبتاً طولانی، جغرافیدانان، اقتصاددانان و جامعه‌شناسان از نظریه‌ها و مدل‌های قیاسی علوم طبیعی استفاده می‌کردند. حاصل این تفکر و مشابهت میان روش‌های علوم اجتماعی و علوم طبیعی این بود که در علم فقط یک روش علمی می‌تواند وجود داشته باشد و جامعه شهری نیز باید با این روش علمی مطالعه شود. گفتنی است که تحلیل پیوند میان روند شکل‌گیری شهرهای جهان سوم با سرمایه‌داری صنعتی از دهه ۱۹۸۰ شروع شد؛ زیرا از این دهه، هم شرایط اکولوژی شهری مورد مطالعه جغرافی‌دانان قرار گرفت و هم نظریه‌های مربوط به شهرگرایی و شهرنشینی به عنوان یک روند اجتماعی خاص - با توجه به اقتصاد جهانی، تغییر در شیوه‌های تولید و اقتصاد سیاسی شهر - به طور عمیق بررسی و جهان به صورت یک مکان واحد در نظر گرفته شد.

**نکته ۱:** با توجه به فقر، بیماری، بیکاری و آلودگی‌های شهری در شهرهای جهان سوم، بیشتر نظریه‌های اجتماعی ارائه شده درباره شهرنشینی و شهرگرایی از رادیکالیسم تأثیر می‌پذیرند.

در طبقه‌بندی شهرهای جهان سوم، شناخت و بررسی شهرها قبل از پیوند با اقتصاد جهانی و شناخت و بررسی شهرها در دوره جدید مورد توجه می‌باشد. از طرف دیگر، علل تأکید و انطباق این نظریه‌ها بر شهرنشینی و شهرگرایی در کشورهای جهان سوم موارد زیرند:

- ۱- رشد شهرها در کشورهای جهان سوم در قدرت‌یابی کشورهای توسعه‌یافته غربی نقش عمده‌ای داشته است.
- ۲- سیستم‌های شهری کشورهای جهان سوم با سیستم‌های شهری کشورهای توسعه‌یافته غربی بسیار متفاوت‌اند.
- ۳- در نظریه‌های اجتماعی، الگوهای ویژه‌ای جهت شهرنشینی در کشورهای جهان سوم ارائه می‌شود.
- ۴- تبیین علمی واقعیت‌های تجربی و قابل مشاهده در جغرافیای شهری تنها از طریق طرح نظریه‌ها امکان‌پذیر است.

جغرافیدانان در ارزیابی کیفیت زندگی شهری و بهبودبخشی به شرایط آن بیش از متخصصان دیگر رشته‌های علمی سهم دارند؛ زیرا فقط در جغرافیای شهری محیط رفتاری با همه ابعادش تحلیل می‌شود.

#### نظریه‌های جوهری در جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری

نظریه‌های جوهری با تأثیرپذیری از عوامل سیاسی، نظامی و مذهبی از طریق تحلیل‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی استنتاج می‌شوند، درباره نظام فضایی محیط ساخته‌شده بحث می‌کنند و صورت آرمانی تفکر و عقاید خلاق در سیاست و طرح‌های برنامه‌ریزی را به نمایش می‌گذارند. در واقع، نظریه‌های جوهری بیشتر مفاهیم فیزیکی موضوع، مثل ایجاد شهرها و شهرک‌های جدید، منطقه سبز شهری، محله‌های شهری و اشکال شهری را تبیین می‌کنند. توان‌یابی نظریه‌های جوهری در زمان ما بیشتر مدیون بهره‌مندی از نظریات اجتماعی - اقتصادی لوئیز مامفورد است.

اگر ما نوشته‌های مامفورد را به صورت تحلیلی مطالعه کنیم، در فلسفه برنامه‌ریزی شهری وی به سه محور فکری برمی‌خوریم:

(۱) طبیعت‌گرایی (۲) تکامل‌گرایی (۳) انسان‌گرایی

مامفورد با گرایش چپ آمریکایی موجب ظهور «احزاب سبز» در اروپای غربی شد و برای سالم‌سازی محیط‌های شهری، ارائه حمل‌ونقل ارزان‌قیمت و ایجاد دبیرستان‌ها، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های رایگان و ارزان‌قیمت را پیشنهاد کرد و بر احداث باغ‌شهر، تعادل‌سازی در محیط و تکنولوژی مناسب و انسانی تأکید داشت. در واقع، مدل اقتصادی مامفورد بین اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد سوسیالیستی در نوسان بود.

### نظریه‌های تبیینی در جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری

نظریه‌های تبیینی اساس جغرافیای شهری جدید را تشکیل می‌دهد؛ اما نه همه نگرش‌های آن را. نظریه‌های تبیینی، تشریح ادراکی - شناختی است که به بیان علل و عوامل ساخت‌های شهری، مانند مشابهت ارگانیک شهر، ساخت اکولوژیک شهر، مدل‌های اقتصادی ساخت فضایی، نظریه موجی در توسعه مادرشهر، نظریه‌های مکان‌گزینی صنعتی و غیره می‌پردازد.

نظریه‌های تبیینی اغلب حالت کیفی - پویا دارد و بیشتر برای ساخت مدل‌های آینده‌نگر به کار گرفته می‌شود.

📖 نکته ۲: بیشتر نظریه‌های تبیینی از مکتب پوزیتیویسم منطقی (مکتب اثبات‌گرایی) منشأ می‌گیرند.

در دو دهه اخیر، برخی از این نظریه‌ها از تفسیرهای مکتب انسان‌گرایی و مکتب نئومارکسیسم متأثر بوده است.

در برنامه‌ریزی به دو صورت از نظریه‌های تبیینی استفاده می‌شود:

۱- نظریه‌های تبیینی پایه و اساسی استوار برای ساخت مدل‌های آینده‌نگر است و در کاربری زمین، اقتصاد ناحیه‌ای، شبکه‌بندی‌های حمل‌ونقل و نظایر این‌ها به کار گرفته می‌شود.

۲- نظریه‌های تبیینی اندیشه‌های منسجمی در مورد شهرها فراهم می‌سازد.

📖 مثال ۱: کدام جغرافیدان باعث ظهور احزاب سبز در اروپا گردید؟

۴) ویدال دوبلابلاش

۳) ابنزرهاوارد

۲) لوئیز مامفورد

۱) ژان گاتمن

📝 پاسخ: گزینه «۲» مامفورد با گرایش چپ آمریکایی موجب ظهور احزاب سبز در اروپای غربی شد.

### اقتصاد سیاسی شهرگرایی

در دیدگاه اقتصاد سیاسی، عملکرد اقتصاد بازار در زمینه توسعه شهری و بازساخت آن تحلیل می‌شود و چون کم‌توجهی به عوامل اقتصادی از نقاط ضعف پلورالیسم و بوروکراسی در مطالعات شهری و کاربری زمین است، در این دیدگاه، عامل اقتصادی در برنامه‌ریزی شهری اساس کار قرار می‌گیرد. در جناح چپ اقتصاد سیاسی نیز به همه مسائل شهری در انباشت سرمایه محلی توجه می‌شود. در این دیدگاه، سرمایه‌های محلی در برنامه‌ریزی شهری نقش اساسی دارند و این سرمایه‌ها در مناطقی از شهر به کار گرفته می‌شوند که قبلاً برای رساندن سودهای کلان به سرمایه‌گذار انتخاب شده است.

### نظریه‌های پلورالیسمی و رفورمیستی در مسائل شهری

جامعه پلورالیسم یا اصالت جمع‌گرایی جامعه‌ای است که در ساخت آن هیچ گروه معین و هم‌سودی از نظر سیاسی، اقتصادی و قومی بر دیگر گروه‌های جامعه مسلط نباشد؛ یعنی قدرت سیاسی و اقتصادی بین همه گروه‌های جامعه از طریق رقابت دموکراتیک توزیع شود. در واقع، پلورالیسم با هرگونه سلطه از طرف یک گروه هم‌سود بر کل جامعه مخالف است. با وجود این، بیشتر دولت‌های دموکراتیک غربی نظام حکومتی خود را پلورالیستی می‌دانند.

در نظریه‌های رفورمیستی اصلاح مسائل جامعه شهری به تدریج، آرام و بدون دگرگونی در ساخت‌های اجتماعی - اقتصادی عملی می‌شود. در جوامع غربی، دیدگاه رفورمیستی به معنی رویارویی با مسائل فقر، بی‌خانمانی شناخت ساخت‌های نابرابر قدرت، درآمد نابرابر و نظایر این‌هاست.

### نظریه مدیریت‌مداری شهری

در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۱، نظریه مدیریت‌مداری شهری به وسیله جی.رکس و آر.مور وارد مطالعات شهری شد. این دو محقق در زمینه برخوردها و ستیزه‌جویی‌های شهری چنین اظهار نظر می‌کنند: «روند اساسی در برخوردهای اجتماعی، رقابت در دستیابی به منابع کمیاب شهری و نیازهایی از قبیل مسکن است. در این روند، مردم بر اساس میزان توانایی‌شان در بازار مسکن از یکدیگر متمایزند.»

در سال ۱۹۶۹، اصطلاح «مدیریت‌مداری» توسط ری پال با نگرش تازه‌ای وارد مباحث علمی دنیا شد و مکتب جدیدی در مطالعات شهری به وجود آمد. در این مکتب، مدیران نظام شهری به طور مستقل، یا با تسلط، در تخصیص منابع کمیاب و توزیع امکانات شهری نقش عمده‌ای به عهده دارند. این محقق بر مفاهیم «نظام عقلانی توزیع مجدد» در سیستم سوسیالیستی و «نظام تنظیم قیمت» در سیستم سرمایه‌داری تأکید بسیار دارد. مفهوم «ایدئولوژی مدیریت» در تحلیل مسائل جغرافیای شهری اهمیت خاصی دارد؛ زیرا محدودیت‌های اکولوژیک، سیاسی و اقتصادی از سیاست مدیران شهری منشأ می‌گیرد و عمق می‌یابد.



کجه مثال ۲: بیشتر نظریه‌های اجتماعی درباره شهرنشینی و شهرگرایی از کدام مکتب تأثیر پذیرفته‌اند؟

- (۱) اقتصاد نئوکلاسیک (۲) رادیکالیسم (۳) پوزیتیویسم منطقی (۴) لیبرالیسم

پاسخ: گزینه «۲» با توجه به فقر، بیماری، بیکاری و آلودگی‌های شهرهای جهان سوم، بیشتر نظریه‌های اجتماعی ارائه‌شده درباره شهرنشینی و شهرگرایی از رادیکالیسم تأثیر می‌پذیرند؛ البته در این زمینه، بیشتر بر این طبقه‌بندی تأکید می‌شود: شناخت و بررسی شهرها قبل از پیوند با اقتصاد جهانی و شناخت و بررسی شهرها در دوره جدید.

کجه مثال ۳: توان‌یابی نظریه‌های جوهری در زمان ما بیشتر مدیون بهره‌مندی از نظریات اجتماعی - اقتصادی کدام دانشمند است؟

- (۱) ارنست برگس (۲) رابرت پارک (۳) هارتشورن (۴) لوئیز مامفورد

پاسخ: گزینه «۴» توان‌یابی نظریه‌های جوهری در زمان ما بیشتر مدیون بهره‌مندی از نظریات اجتماعی - اقتصادی لوئیز مامفورد است. اگر ما نوشته‌های مامفورد را به صورت تحلیلی مطالعه کنیم، در فلسفه برنامه‌ریزی شهری وی به سه محور فکری برمی‌خوریم:

(۱) طبیعت‌گرایی (۲) تکامل‌گرایی (۳) انسان‌گرایی

کجه مثال ۴: کدام‌یک از نظریه‌ها اساس جغرافیای شهری جدید را تشکیل می‌دهد؟

- (۱) نظریه جوهری (۲) نظریه ارگانیک (۳) نظریه تبیینی (۴) نظریه مکان‌گزینی صنعتی

پاسخ: گزینه «۳» نظریه‌های تبیینی اساس جغرافیای شهری جدید را تشکیل می‌دهد، اما نه همه نگرش‌های آن را. نظریه‌های تبیینی، تشریح ادراکی - شناختی است که به بیان علل و عوامل ساخت‌های شهری، مانند مشابهت ارگانیک شهر، ساخت اکولوژیک شهر، مدل‌های اقتصادی ساخت فضایی، نظریه موجی در توسعه مادرشهر، نظریه‌های مکان‌گزینی صنعتی و غیره می‌پردازد.

### شهروندی فعال و ایدئولوژی تاجریم - ریگانسیم

از سال ۱۹۷۹ دولت محافظه‌کار انگلیس به دوره جدیدی از برنامه‌ریزی وارد شد که در مباحث جغرافیایی از آن به عنوان «ایدئولوژی تاجریم» نام می‌برند. در زمان حکومت تاجر، سیاست با تأثیرپذیری از ایدئولوژی تاجریم از «خیر و صلاح همگانی» به «انتخاب فردی» یا به عبارت روشن‌تر، به «تشخیص کارفرمایان» تغییر جهت پیدا کرد. اقتصاد آزاد سرمایه‌داری به سلطه بی‌حد و مرز دست یافت و برنامه‌ریزان نیز از ایدئولوژی تاجریم پیروی کردند. با سیاست دولت تاجر، حومه‌نشینی و طبقه متوسط جامعه تقویت و بسیاری از اهداف اجتماعی حذف شد.

در ماه مه ۱۹۸۸، مارگارت تاجر در مجمع کلیسای اسکاتلندی مفهوم شهروندی فعال را پایه و اساس تفکر و اصول سیاسی خود اعلام کرد. با اجرای این سیاست، مسئولیت شهروندان در تأمین خدمات عمومی و رفاهی بیشتر شد و برنامه‌ریزی‌ها تحت تأثیر آن قرار گرفت. نتیجه سیاست شهروندی فعال، به صورت ضداجماعی بودن و ضداجماعی فکر کردن درآمد. این طرز تفکر به‌ویژه بخش عمومی را بیشتر تحت تأثیر قرار داد. خانه‌سازی برای طبقه کم‌درآمد محدود و از تقویت حمل‌ونقل عمومی جلوگیری شد. مسئولیت‌های حکومتی در برطرف کردن کمبودهای اجتماعی کاهش یافت و به مسئولیت‌های فردی و خانوادگی افزوده شد.

کجه مثال ۵: پایه و اساس تفکر مارگارت تاجر در برنامه‌ریزی شهری چه بود؟

- (۱) شهروندی فعال (۲) مسئولیت‌های حکومت (۳) برطرف کردن کمبودهای اجتماعی (۴) تقویت حمل‌ونقل عمومی

پاسخ: گزینه «۱» در ماه مه ۱۹۸۸ مارگارت تاجر مفهوم شهروندی فعال را پایه و اساس تفکر خود اعلام کرد.



## نظریه شبکه شهری جهانی و شهرهای جهان سوم

به نظر عده‌ای از محققان، دنیای سرمایه‌داری جدید به صورت جهان‌شمول هم از نظر تشکیل سازمانی و هم از نظر تشکیل شبکه شهری جهانی مشخص می‌شود. فرماندهی این شبکه در شهرهای نیویورک، لندن و توکیو قرار دارد که در سطوح بسیار وسیع در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور مالی، صنعتی، تجاری، قانونی و رسانه‌های گروهی دارای نقش تعیین‌کننده‌ای است.

در شبکه شهری جهانی، واحدهای بزرگ در یک بافت منسجم سرمایه‌داری از بانک‌های جهانی و شرکت‌های چندملیتی و بین‌المللی تشکیل می‌شود. این شرکت‌های بین‌المللی از ۸۰ - ۷۰ درصد تجارت جهانی دنیای سرمایه‌داری را در اختیار دارند.

انتقال سرمایه در سطوح جهانی تعیین‌کننده آینده شهرها و ملت‌ها، مکان تولید انبوه و سطح اشتغال در نواحی مختلف جغرافیایی است. نظریه‌پردازان شبکه شهری جهانی هنگام بحث از شهرهای جهان سوم بر موارد زیر تأکید می‌کنند:

- ۱- ویژگی‌های شهری و توسعه شهرگرایی در کشورهای جهان سوم تنها با تحلیل وابستگی جهانی این شهرها امکان‌پذیر است و باید نقش شرکت‌های چندملیتی و میزان تسلط آن‌ها اساس هر تحقیق جغرافیای شهری قرار گیرد.
- ۲- در شناخت علمی شهرهای جهان سوم، نقش دولت‌ها و حکومت‌ها از عوامل مهم محسوب می‌شود.
- ۳- در مراحل رشد اقتصادی، بیشتر شهرهای بزرگ وابسته به اقتصاد جهانی در تأمین مواد اولیه، تولید، توزیع، بازاریابی و دیگر فعالیت‌های بخش خدماتی به تخصص ویژه‌ای دست می‌یابند.
- ۴- در وابستگی به شبکه شهری جهانی، بازساخت اقتصادی و بازساخت کشور به همراه بازساخت جامعه و خانواده عملی می‌شود که دگرگونی در فضاها و جغرافیایی نتیجه این وابستگی است.
- ۵- در دگرگونی ساختارهای شهری باید عواملی مانند عملکردهای سیاسی، مهاجرت و فعالیت‌های روزانه مردم در جامعه شهری مورد مطالعه جدی قرار بگیرد.

## نتیجه وابستگی جهان سوم به اقتصاد جهانی

با توجه به تحلیل وابستگی روند شهرگرایی به اقتصاد جهانی در کشورهای جهان سوم نتایج زیر به دست می‌آید:

- ۱- طبق این نظریه، پیوند اقتصاد کشورهای جهان سوم با سیستم اقتصاد جهانی از نظر توسعه شهری و جمعیت‌پذیری شهرها در سلسله‌مراتب شهری کشورهای جهان سوم و توسعه باورنکردنی یک شهر مسلط در این کشورها تأثیر بسیاری دارد.
  - ۲- این تأثیرات را می‌توان از ویژگی کارکرد سیستم شهری کشورهای جهان سوم و نیروی کار موجود در آن‌ها به‌خوبی بازشناخت. می‌توان گفت حرکت‌ها و جابه‌جایی‌های جمعیتی حوزه‌های روستایی و شهری از این شرایط تأثیر پذیرفته‌اند.
  - ۳- مجموعه شرایط حاصل از شهرگرایی در کشورهای جهان سوم باعث ایجاد نابرابری‌های شدید اجتماعی - اقتصادی میان نواحی داخلی آن شده و در مادرشهرهای بزرگ جهان سوم و شهر مسلط کشورها شکاف میان ثروتمند و فقیر را عمیق‌تر کرده است.
  - ۴- وابستگی به واردات مواد غذایی، به پیوند اقتصاد کشورهای جهان سوم با سیستم اقتصاد جهانی دوام بیشتری بخشیده است و شهرهای جهان سوم بیش از پیش به واردات مواد غذایی از آمریکای شمالی و استرالیا وابسته شده‌اند.
- به نظر می‌رسد که امروزه، شهرنشینی و شهرگرایی در جهان سوم بدون تردید به مواد غذایی آمریکای شمالی وابسته است و شهرهای جهان سوم در واقع به شهرهای وابسته وارداتی تبدیل شده‌اند که خود از نتایج جهانی شدن سرمایه و سرمایه‌گذاری‌هاست.
- می‌توان گفت در نظریه سلسله‌مراتب شهری جهانی، مراکز استان‌ها به صورت موزیانه در نقش کانال سودرسانی ظاهر می‌شوند و هرچند در مقایسه با شهر مسلط یا پایتخت ملی بسیار کوچک‌اند، تکمیل‌کننده نقش پایتخت‌های ملی‌اند. در وابستگی به اقتصاد جهانی، ناحیه پایتخت ملی به کشاورزی سرمایه‌داری پیشرفته تبدیل می‌شود و تولیدات کشاورزی کارگری کاهش می‌یابد.

کج مثال ۶: بازتاب اصلی گرایش به اقتصاد سیاسی در شهرهای جهان سوم کدام است؟

- (۱) توسعه صنعتی (۲) رشد شهرهای میانی (۳) برنامه‌ریزی منطقه‌ای (۴) استقرار سرمایه

پاسخ: گزینه «۴» در نتیجه‌ی وابستگی اقتصاد کشورهای جهان سوم به اقتصاد جهانی، بازتاب اصلی به صورت استقرار سرمایه خارجی خود را نشان می‌دهد.



## نظریه شهر انگلی

به نظر بی. اف. هوزلیتز، شهر انگلی شهری است که از نظر اقتصادی، اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی بر یک حوزه تسلط کامل داشته باشد و در نقاط مختلف آن تأثیر منفی بر جای گذارد. ان. کیفیتز در تحقیق خود با عنوان «ویژگی‌های اقتصاد سیاسی شهرنشینی در جنوب و جنوب شرقی آسیا» تسلط شهرهای انگلی را در این موارد بررسی می‌کند:

- ۱- تسلط اقتصادی بر مفهوم اکولوژیک که از مشخصات آن مبادله بازار کالا میان شهر و روستاست.
  - ۲- تسلط شهر بر حوزه‌های پیرامونی از طریق مشروعیت بخشیدن به قدرت و سازمان‌های شهری
- او معتقد است شهرهای مسلط و مادرشهرهای بزرگ در جوامع ماقبل صنعتی انگلی هستند؛ در حالی که شهرهای کشورهای صنعتی خود مولدند و جریان کالا میان شهر و روستا و منطقه نفوذ را برعهده دارند؛ رابطه‌ای که هیچ‌گاه یک‌طرفه نیست.

## جامعه جهانی و مادرشهرهای جهانی

اکنون جهان ما در مراحل اولیه شکل‌گیری جامعه جهانی است. شکل‌گیری جامعه جهانی بیشتر به وضع شهرها در سال‌های آینده بستگی دارد و وضعیت این شهرها نیز با توجه به میزان ارتباط با اقتصاد جهانی مشخص می‌شود. جامعه جهانی به شدت چندقطبی و به شدت رقابتی خواهد بود. در این جامعه، مادرشهرهای جهانی مانند نیویورک، لندن و توکیو به ایفای کارکردهای جدید در سطوح جهانی می‌پردازند.

مشخصات این مادرشهرهای جهانی عبارت‌اند از:

- ۱- حاصل نظام جدید جهانی هستند.
  - ۲- از طریق نیروهای بازار بر جامعه شهری جهان حکومت می‌کنند.
  - ۳- اساس نهادی آن را طبیعت صنعتی آن‌ها تشکیل می‌دهد.
  - ۴- حاصل نظام علمی جامعه جهانی هستند.
  - ۵- شهرهایی در جامعه جهانی می‌توانند نقشی برعهده بگیرند که ماهیت نیروهای جهانی را بشناسند و راه‌های حاکمیت آن‌ها را بیابند.
- تسلط مادرشهرهای جهانی بر مادرشهرهای ملی - ناحیه‌ای به تدریج کشورهای جهانی را به صورت مرکز یا کانون - پیرامون درمی‌آورد و نتایج زیر را دوام می‌بخشد:
- ۱- تسلط مادرشهرهای جهانی بر مادرشهرهای ملی - ناحیه‌ای به نوعی تقسیم و شکاف اقتصادی در سطوح بین‌المللی می‌انجامد.
  - ۲- تغییرات انتخابی در الگوهای توسعه وابسته با تقسیم جدید کار بین‌المللی ارتباط می‌یابد.
  - ۳- تثبیت موجودیت مرکز - پیرامون، شکاف عمیقی میان کشورهای توسعه‌یافته (مادرشهر جهانی) و پیرامونی وابسته به وجود می‌آورد و نابرابری شدید اقتصادی، بین شهرها و روستاهای پیرامونی ایجاد می‌کند.
  - ۴- وابستگی کشورهای پیرامونی به اقتصاد جهانی از نظر رفاه اجتماعی و اقتصادی، تفاوت‌های موجود میان نواحی داخلی کشورهای وابسته را شدت می‌بخشد.

۵- ظهور سیستم شهری جهانی سبب می‌شود که تنها این چند شهر جهانی کنترل تجارت جهانی را در دست داشته باشند.

با توجه به موارد مذکور به نظر آندره گوندر فرانک، فقر و عدم توسعه کشورهای جهان سوم نتیجه‌ی عدم وجود تکنولوژی غربی، سرمایه لازم و نظایر این‌ها نیست؛ بلکه حاصل روابط موجود در سیستم سرمایه‌داری جهانی است که همیشه به نفع کشورهای توسعه‌یافته و به زیان کشورهای توسعه‌نیافته عمل می‌کند.

**کج مثال ۷:** در رأس مرکز حکمرانی اقتصاد جهانی کدام یک از شهرهای زیر قرار دارد؟

- ۱) واشنگتن      ۲) ژنو      ۳) لندن      ۴) مسکو

پاسخ: گزینه «۳» با توجه به شرایط حاکم، شهر لندن به عنوان مرکز حکمرانی اقتصاد جهانی قرار گرفته است.

**کج مثال ۸:** کدام عملکرد، شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها را به رده جهان‌شهری می‌رساند؟

- ۱) توسعه کارکرد بازرگانی      ۲) توسعه کارکرد اقتصادی      ۳) توسعه کارکرد اداری      ۴) توسعه کارکرد سیاسی

پاسخ: گزینه «۲» در روند تغییر و تبدیل شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها به شهرهای رده جهانی، توسعه کارکرد اقتصادی نقش مؤثری دارد.



## مدرسایان شریف

### فصل پنجم

#### «شهر و شهرنشینی در ایران»

#### مقدمه

براساس شواهد به دست آمده از تاریخچه شهرنشینی در دنیا، ایران قدمتی طولانی در تاریخ شهرنشینی دارد. با وجود آنکه با تشکیل حکومت مادها شهرنشینی در ایران آغاز شد و در دوره سلوکیان شهرهای خودفرمان و مستقلی ظاهر شدند، بیشتر شهرهای دوره باستان که ما تاکنون مکان و موقعیت آنها را می‌شناسیم، در زمان ساسانیان به وجود آمدند؛ مانند قزوین، نیشابور، اردبیل و تبریز یا در این دوره گسترش و رونق یافتند؛ مانند شیراز، کرمانشاه، یزد و کرمان. شهرنشینی با فتح ایران به دست اعراب و وسعت نفوذ اسلام در مناطق مختلف و گسترش مبادلات تجاری رونق گرفت؛ اما با تهاجم مغولان، شهرنشینی در ایران رو به زوال رفت و تنها در دوران غازان خان رونق نسبی به شهرها بازگشت. با شکل‌گیری اولین حکومت ملی ایران پس از اسلام، یعنی صفویه، آرامش نسبی در کشور برقرار شد و سطح مبادلات تجاری ایران با کشورهای دیگر افزایش یافت و ایران به یکی از سه قدرت اقتصادی جهان تبدیل شد؛ از این رو در این دوره شهرها رونق یافتند و رشد کردند.

هر چند با روی کار آمدن حکومت صفویه، نقش ایران در اقتصاد جهانی برجسته شد و شهرها رونق یافتند، عواملی چند باعث اضمحلال این شکوفایی و رونق شد. یکی از این عوامل انقلاب اروپایی‌ها در صنعت کشتیرانی پس از قرن پانزدهم میلادی و قبل از روی کار آمدن حکومت صفویه بود که در سال‌های بعد نیز توسعه یافت. این انقلاب تراز تجاری برابر بین ایران و اروپا را به تدریج به نفع اروپاییان سنگین‌تر کرد و بدین ترتیب آن‌ها توانستند سودهای بیشتری از تجارت جهانی نصیب خود کنند. عوامل دیگر، عدم تغییر و حتی تضعیف شیوه‌های شبانکارگی، چادرنشینی، سهم‌بری دهقانی و خرده‌کالایی بودند که از قرن شانزدهم تا هجدهم میلادی در ایران وجود داشتند. این شیوه‌ها از جمله در کشاورزی به عنوان املاک سلطنتی، اخذ انواع مالیات و واگذاری تیول، گردآوری مالیات‌های صنعتی و عوارض گمرکی، انحصار تجارت پرسود ابریشم خام و کالاهای دیگر سبب شد تا هیچ گروهی نتواند به اندازه شاه سهمی از کل مازاد تولید داشته باشد.

رشد شهری در ایران با اقدامات رضاشاه آغاز و در نتیجه با سیاست‌های محمدرضا شاه پهلوی تشدید شد. این رشد در جمهوری اسلامی نیز روندی رو به افزایش دارد.

#### شهرنشینی و روستانشینی ایران در ادوار تاریخی

شهرنشینی در ایران دارای یک تمدن قدیمی و پرسابقه است که در تمام فلات ایران توسعه و گسترش داشته است.

**نکته ۱:** پیدایش، توسعه و مکان‌گزینی شهرهای دوره‌ی گذشته به تبع شرایط خاص زمانی بود. اولین شهرها در بین‌النهرین و حوالی مدیترانه ایجاد شدند. شهرنشینی در ایران تفاوت‌هایی با شهرنشینی در اطراف مدیترانه داشت. شهرهای اطراف مدیترانه از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده و از فلسفه خاصی تبعیت می‌کردند. نظام شهری در مدیترانه مبتنی بر نوعی مردم‌سالاری اشرافی بود که اکثراً بقا و توسعه آنها مدیون موقعیت تجاری آنها بود.

برای مثال نمونه‌ای از شهرهای قدیمی در ایران عبارت‌اند از:

۱- شهر قدیمی شوش که پایتخت بود ۲- اهواز قدیم ۳- ماداکتو ۴- خنیدلو.

سرزمین ایلام که آن را «انزان یا انشان» نیز می‌گویند، در آغاز، خوزستان کنونی را شامل می‌شد و در حدود پنج هزار سال پیش از میلاد مسیح قبایلی از اطراف به آنجا رفته و در نواحی شوش به کشاورزی و شهرنشینی پرداختند.

مادها پس از ورود به ایران (قرن ۱۳-۱۰ پیش از میلاد) در شمال غرب ایران که شامل آذربایجان، کردستان، کرمانشاه، همدان، لرستان و نواحی ری بود، ساکن شدند.



مادها با انتخاب همدان (هگمتانه - محل اجتماع) به عنوان پایتخت، گذشته از اعلام تشکیل یک حکومت مقتدر که می‌خواست عظمت خود را به رخ دشمنان بکشد، شهر جدید را به عنوان مظهر وحدت ملی تازه تشکیل شده قلمداد کردند. عوامل اقتصادی چون ترقی پیشه‌وران و اصناف نیز در این مورد مؤثر بود. **شهرها در این دوره معمولاً نقاط سوق‌الجیشی پراهمیتی بودند که بر سر راه‌های تجاری - نظامی بنیان و توسعه می‌یافتند.**

هرودوت عقیده داشت که دیوکس (دیاکو) بنیان‌گذار دولت ماد در محل اقامت خود به قضاوت و حل‌وفصل مشکلات می‌پرداخت.

اهمیت و شکوه شهرسازی از زمان داریوش بزرگ آشکار شد. در زمان او عناصر فراوان از معماری و حجاری ملل مختلف گردآوری و تألیف شدند. ایران در زمان این پادشاه به بزرگ‌ترین وسعت خود دست یافت. ظاهراً ۴۶ نوع قوم را دربرداشته و شامل ۲۶ و به روایتی ۳۰ ایالت بوده است که هر کدام یک حاکم داشته که به نام شهریان نامیده می‌شد. فتح مصر و ساختن جاده‌های مهم که از شوش به نقاط مختلف کشیده شده بود و روابط پولی، به تدریج به رونق شهرنشینی و شهرگرایی دوران هخامنشی افزود. سبک‌های بابلی، آشوری، مصری و یونانی در شوش، تخت جمشید و استخر به هم آمیخته و سبک تازه‌ای در شهرسازی ایجاد کردند. از ویژگی‌های عام شهرهای هخامنشی، استقرار قصر سلطنتی در مرکز شهر بود که در کنار آن محله‌های درباری قرار داشتند. پادگان نیز در قصر سلطنتی (کهن‌دژ) و محله‌های درباری و محله‌های مسکونی و کوچه‌های شهر قرار داشت و بر گرد آن عموماً حصار بلند از خشت ساخته می‌شد. پایتخت‌های هخامنشیان شهرهای پاسارگاد، استخر، پرسپولیس (تخت جمشید)، شوش، همدان و بابل بودند.

**نکته ۲:** به‌طور کلی، نخستین نطفه تقسیمات کالبدی فضای شهر بر مبنای طبقات اجتماعی در شهرهای هخامنشی بسته می‌شود.

این امر از آنجا ناشی می‌گردد که ملل مختلفی که اغلب از هخامنشیان پیشرفته‌تر و ثروتمندتر بودند، در امپراطوری هخامنشی گرد هم می‌آیند. تحول و توسعه صنایع دستی و تجارت نتیجه چنین اختلاطی است. تمرکز امپراطوری توسعه بازرگانی را سبب می‌شود.

اسکندر مقدونی پس از رسیدن به پادشاهی و تصرف شهرهای یونان ضمن عبور از تنگه داردانل وارد آسیای صغیر شد (۳۳۴ قبل از میلاد). اسکندر پس از تصرف شهرهای ساحلی ایران، مصر و بین‌النهرین و شهر بابل تا سند پیش رفت و به روایتی ۱۵ شهر را با خاک یکسان کرده یا به آتش کشیده است. پس از اسکندر، یکی از جانشینان او به نام سلوکوس سلسله سلوکیه را در ایران تأسیس کرد (۳۱۲ قبل از میلاد) و مدت ۸۰ سال بر ایران حکومت کردند. **تسخیر ایران توسط اسکندر اختلاط اجتماعی - فرهنگی تازه‌ای از ملت‌های کاملاً متفاوت را سبب گردید.** این پیروزی، امتزاج در فلسفه شرقی و غربی را موجب شد که یکی بر مبنای استبداد پدرسالاری - دودمانی و دیگری نتیجه نوعی مردم‌سالاری اشرافی بود.

تعدادی از این شهرها در طول جاده بزرگ و مهمی که سلوکیه را در ساحل دجله به بلخ مرتبط می‌کرد ایجاد شدند. در طول ساحل خلیج فارس در حدود ۹ شهر از جمله انطاکیه پارس (بوشهر کنونی) را احداث کرد. شهرهایی هم در ماد (نهادند)، کرهه (نزدیک اراک) و شهری به نام نسا در پارت ساخته شد. هگمتانه مرمت و احیا گردید و رگای قدیم (ری حومه تهران) به نام اروپوس خوانده شد. بنای شهرهایی موسوم به «ستیرا»، «کال لیوپ»، «خاریس»، «هکتامپی لس» (صد دروازه) و «آخه‌آ» را نیز به سلوکیان نسبت داده‌اند. **در حقیقت ایجاد حلقه اجتماعی طرفدار سلوکیان، تأمین امنیت نواحی و توسعه داد و ستد و ارتباط تجاری از اهداف عمده ایجاد شهرهای سلوکی بود.**

حکومت اشکانیان را می‌توان نوعی حکومت مشروطه ناقص دانست که دو مجلس داشت. اداره کشور به صورت ملوک‌الطوایفی بود. اشکانیان از لحاظ تمدن و فرهنگ به درجه پارسیان دوره هخامنشی نمی‌رسند. آنها تا ۲۲۴ میلادی حکومت کردند. از آثار باقی‌مانده چنین برمی‌آید که پارتیان به شهرسازی و شهرنشینی علاقه خاصی داشته‌اند و نشان آن شهرهایی چون تیسفون، هترا، دارابگرد، فیروزآباد و مانند آن است که در روزگار آنان بنا شده و آباد گردیده است.

طرح عمومی اکثر شهرهای دوره اشکانی دایره‌ای شکل بود که در وسط کهن‌دژ شامل کاخ شاهی، مراکز اداری، نظامی، مذهبی که در حصار بلند بودند، قرار داشتند. سپس اقامتگاه نزدیکان و فرمانروایان دولتی و روحانیون و بالاخره محلات شهری، مکان پیشه‌وران و خرده‌مالکین بود که آنها نیز درون بارویی قرار می‌گرفتند و بالاخره حومه کشاورزان قرار داشت. **نظم داخلی شهرها شطرنجی بود.** شبکه شهری این دوره طبق اطلس تاریخی ایران (۱۳۵۰) شامل مراکز و شهرهای رگ یا رگا (ری)، خوارینه، زاگراکرت، شوش، میشان، بابل، تیسفون، سلوکیه، هاترا - گابه، دوراوروبوس، اربل، نصیبین، حران، ادس، ارناگزان، هگمتانه و ... می‌شده است.

دوره ساسانیان آغاز امپراطوری بزرگ با حکومت مستبد متمرکز است که از ویژگی‌های آن تمایز مطلق طبقات اجتماعی و پیدایش نظام کاستی است. شهرسازی در عهد ساسانیان نیز مورد اعتنای خاص بود.

شهرهای بسیاری به نام پادشاهان ساخته شد که از آن جمله می‌توان شهرهای گندی‌شاپور، نیشابور، دارابگرد، رامهرمز و مانند آنها را نام برد. بنیاد ده شهر به نام‌های اردشیر خره، به‌اردشیر، بهمن اردشیر، اشأ اردشیر، رام اردشیر، رامهرمز اردشیر، هرمز اردشیر، بور اردشیر و هشت اردشیر و بتن اردشیر را به اردشیر نسبت می‌دهند. بنای تعدادی از شهرها نیز به شاپور نسبت داده شده است که عبارتند از: شاپور، نیشابور، بدان اندیو شاپور، شاپورخواست، بلاش شاپور و پوشنگ و شهرهایی را هم به قباد نسبت داده‌اند، مانند ارجان (برقباد)، حلوان (ماهات)، قباد خره، شهر زور و شهر قبادش. مسلماً روند احداث شهر توسط پادشاه همواره آهنگ ثابت و یکنواختی نداشته است.

در دوره ساسانیان برخلاف دوره‌های قبل تعصبات مذهبی افزایش یافت و تعداد بسیاری آتشکده ساخته شد که مهم‌ترین آنها در شهرها ساخته شد که در مواردی خود موجب پیدایش و توسعه شهرهای بزرگ گردید. سه آتشکده معروف آذرگشنسب، آذر فرنبغ و آذر برزین مهر به ترتیب در سه شهر بزرگ شیز (در تخت سلیمان)، کاریان (فارس) و ریوند نیشابور ساخته شدند.

مصنوعات نقره، پارچه‌های ابریشمی و ... از محصولات معروف کشور بود. پیشه‌وران در شهرها فعالیت زیادی داشتند و هر رشته صنف ویژه‌ای داشت. از ویژگی‌های مهم شهرهای این عصر وجود بازار مجهز در آنها بود که عنوان وازاربد گویای وجود این عنصر مهم می‌باشد.

نظام شهری بر پایه نهادهای مختلف اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گرفت و طبقات چهارگانه موبدان، لشکریان و دبیران و پزشکان، و دهقانان و صنعتگران در ساختار اجتماعی شهرها به وجود آمدند.

شهرهای این دوره طبق اطلس تاریخی ایران عبارتند از: استخر، دارابگرد، بابل، تیسفون، یزد، کرمان، طوس، کومش، دینور، کرمانشاهان، اردبیل، مراغه، اردشیر، هاترا و ...

به هر حال پیدایش حکومت مقتدر مرکزی، روابط بازرگانی با چین، هند، شبه‌جزیره عربستان و شمال شرق آفریقا و نظام کاستی در توسعه اقتصادی شهر مؤثر واقع شد.

کالبد شهرها شامل کهن‌دژ و بخش نظامی بود که هسته اولیه را تشکیل می‌داد و در اطراف آن محلات یا قسمت اصلی شهر (شارستان یا شهرستان) قرار داشت که به وسیله حصار محصور و از کهن‌دژ جدا می‌شد و بخش بیرونی به نام حومه یا سواد خوانده می‌شد که شامل مزارع کشاورزی و باغات بود.

در ایران، اداره امور کشور در زمان‌های گذشته نیازمند به یک قدرت متمرکز بوده که این قدرت‌ها به صورت سلسله‌های پادشاهی بروز می‌کردند. تاریخ کهن ایران به وسیله ایرانیان مغرب و جنوب یعنی دسته‌ای شروع می‌شود که از کوه‌های قفقاز به ایران آمده و مدت‌ها فرمانبردار دولت آشور بودند. این قبایل که نفوذ و قدرتش از دیگر قبایل آریایی بیشتر بوده، به تدریج بر نواحی تحت سلطه خود احاطه پیدا کردند؛ ایالاتی که از ری شروع می‌شد و به سمت غرب تا ارتفاعات زاگرس و به سمت شمال و شمال غرب تا نواحی رود کورا (کوروش) ادامه داشته است. این همان ناحیه‌ای است که به سرزمین ماد بزرگ معروف است و بزرگ‌ترین شهر آن هگمتانه بود که آشوریان آماندا می‌نامند و امروزه شهر همدان در مجاورت و روی خرابه‌های باستانی آن استقرار یافته است.

**کج مثال ۱:** از ویژگی‌های مهم شهرهای کدام دوره وجود بازار مجهز در آن بود؟

(۴) سلوکیان

(۳) هخامنشیان

(۲) ساسانیان

(۱) اشکانیان

پاسخ: گزینه «۲» از ویژگی‌های مهم شهرهای عصر ساسانی وجود بازار مجهز در آنها بود که عنوان «بازار بد» یا «بازار بد» گویای این عنصر مهم می‌باشد. در این دوره، نظام شهری بر پایه نهادهای مختلف اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی شکل گرفت و طبقات چهارگانه موبدان، لشکریان، دبیران و پزشکان، دهقانان و صنعت‌گران در ساختار اجتماعی شهرها به وجود آمدند.

### سیر تحول شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی

فرایند شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی در ایران در سه دوره کلی به صورت زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

۱- سیر تحول شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی قبل از اسلام؛ تولد و شکل‌گیری شار:

الف) ساخت و بافت شهر از قرن نهم ق.م تا قرن چهارم ق.م: سبک پارسی نشئت‌گرفته از تمدن بین‌النهرین، شکل‌گرفته در سرزمین ماد و سازمان‌یافته در سرزمین پارس، شهر و یا شار مادی و پارسی، حکومت‌های هخامنشی تا زمان حمله اسکندر، دگرگونی مفاهیم.

ب) ساخت و بافت شار و یا شهر در قرن سوم ق.م: تلفیق و در هم آمیختگی شار پارسی با دولت - شهر یونانی، شکل‌گیری شهر پارسی - هلنی و اختلاط نظری و عملی در نحوه تفکر و نگرش به جهان.

ج) ساخت و سازمان شار از اواخر قرن سوم ق.م تا قرن هفتم میلادی (یکم هجری): در این دوران با بالندگی مفهوم شار، سازمان‌یافتگی کامل آن، ابداع و سازماندهی مجدد مفهوم شار در سرزمین پارت و اشاعه آن در سرزمین‌هایی روبه‌رو هستیم که بعدها پارسیان بر آن حکومت کردند. سبک پارتی، حکومت‌های اشکانی و ساسانی را شامل می‌باشد.



# مدرسایان شریف

## فصل ششم

### «شهر و شهرنشینی در دوره معاصر»

#### مقدمه

به طور کلی، امکان تجزیه، تحلیل و اخذ تصمیم صحیح به وجود نظریه‌ای معتبر بستگی دارد. حجم مطالعات انجام‌شده در جنبه‌های گوناگون شهرها و شهرنشینی به حدی است که بدون داشتن نظریه‌ای خاص، درک و تحلیل بخش ناچیزی از آن نیز میسر نیست. یک نظریه اطلاعات وسیع و فراوانی را که درباره شهرها وجود دارد تنظیم می‌کند و این اطلاعات را به صورت ساخت‌های ذهنی وسیع‌تری سامان می‌دهد، بدین ترتیب بر ارزش این اطلاعات افزوده می‌گردد. چنین ترکیبی باعث تجمع اطلاعات نیز می‌گردد. علیرغم آنکه اعتبار هر نظریه‌ای به وسعت نمونه‌ها بستگی دارد، اکثر نظریه‌های مربوط به شهرسازی، طراحی شهری و معماری و حتی مطالعات مربوط به انسان و محیط زیست وی فقط بر سنت روشنفکرانه طراحی تکیه دارد. این نظریه‌ها تنها بر کار معماران و شهرسازان تکیه داشته و محیط‌های زیستی را که براساس فرهنگ و رسوم مردم شکل گرفته‌اند نادیده می‌گیرد. این در حالی است که بخش اعظم محیط مصنوع ما به فرهنگ و سنت‌های مردم بستگی دارد. علاوه بر این، حتی عناصر طراحی‌شده شهرها چون آکروپولیس، آکورا، پلازا، خیابان‌ها، تقاطع‌ها و غیره ... تنها در رابطه و زمینه محلی آن در میان سایر فضاهای موجود قابل شناخت است. بالاخره تفکیک این دو شیوه از هم هنگام بررسی مبدأ شهرها هر چند غیرممکن نیست، بسی مشکل می‌نماید. نظریه‌های موجود همگی براساس شیوه‌های طراحی غربی بوده و در تدوین آن شیوه‌های مربوط به دیگر نقاط چون آفریقا، آسیا، خاورمیانه و دوره‌های ماقبل کلمبو در آمریکای لاتین نادیده انگاشته شده است. این نظریه‌ها همچنین تنها بر دوره اخیر تأکید داشته و برای بُعد تاریخی موضوع و به خصوص گذشته بسیار دور و فرهنگ غیرغربی ارزش چندانی ندارد. بنابراین بررسی نحوه شکل‌گیری مجتمع‌های زیستی در طول تاریخ در میان فرهنگ‌های مختلف از اهمیت خاصی برخوردار است. این‌گونه نظریات که براساس نمونه کوچک شیوه روشنفکرانه طراحی غربی پایه‌ریزی شده است، مسئله‌ساز بوده و احتمال آن می‌رود که نظریه در صورت تعمیم فاقد اعتبار گردد. هرچه نمونه مورد مطالعه ما در فضا و زمان گسترش یابد، امکان یافتن نظمی در بی‌نظمی و دریافت تمایزات بیشتر خواهد بود. به این ترتیب، الگوها و روابط را ساده‌تر می‌توان شناخت. یافتن چنین شیوه‌های قابل تعمیمی ما را در درک مسئله ثبات و تحول یاری می‌کند و در تعیین اصول سیاست طراحی محیطی رهنمون می‌شود. بعضی از این اصول می‌تواند جنبه تکاملی داشته باشد. اگر قبول کنیم که انسان به عنوان یک گونه دارای ویژگی‌های خاصی است، تداوم رفتاری خاص در طی زمان، دلیل بر وجود فلسفه خاصی برای این رفتار می‌باشد؛ بنابراین شناخت ثبات نیز به اندازه تغییر و تحول از اهمیت برخوردار است. این نکته به خصوص در فرهنگ غربی که بیش از حد در پی شناخت تغییرات می‌باشد، باید مورد توجه قرار گیرد. اگر تغییر و تحول ظاهری براساس روندهای ثابتی به وجود آمده باشد و به عبارتی، اگر علل شیوه‌های گوناگون انجام کاری ثابت باقی بماند، شناخت آن علل از اهمیت بسیاری برخوردار خواهد شد. در صورت شناخت این علل و شیوه‌های بیان آن در خواهیم یافت که فرم‌های به‌ظاهر نامربوط در واقع یکی بوده است؛ به عبارتی به نتیجه‌ای مشابه رسیده و حاصل سیر تفکر مشابهی بوده است و حالات مختلف یک پدیده می‌باشد. برای مثال سه فرم شهری را در نظر بگیرید. شهری متراکم با واحدهای مسکونی حیاطدار، شهری کم‌تراکم با واحدهای مسکونی پراکنده و شهری متشکل از محلاتی با جمعیتی همگن و ارتباط اجتماعی مستحکم. هر چند این فرم‌ها در ظاهر به نظر بسیار متفاوت می‌آیند، همه آنها را می‌توان با مکانیسم‌هایی جهت کنترل ارتباط متقابل نامطلوب، همچون کاستن از افزایش بیش از حد اطلاعات و فشار و رسیدن به حد مطلوب بررسی کرد. این شیوه برخورد در بررسی اختلافات و نظریات گوناگون، در رابطه با مسائل شهری از جمله خود مفهوم شهر بسیار مفید می‌باشد.



## تعریف شهر و زیستگاه

تعاریف معمول شهر محوری قومی داشته و بیشتر براساس شهر مدرن غربی، شهرهای قرون وسطای اروپا و پس از آن استوار است. برای مثال طبق تعریفی کلاسیک، شهر، سکونتگاه دائمی نسبتاً بزرگ و مترکمی متشکل از افرادی است که به لحاظ اجتماعی با هم متفاوت هستند. گوردون چایلد که از آغاز شهرنشینی با عنوان انقلاب شهری یاد کرده است، معیارهای شهرنشینی را به این ترتیب بیان می‌کند: وجود تمرکز جمع کثیری از مردم در یک مکان، تخصص در حرفه‌های گوناگون، وجود وسیله گردش چرخ اقتصادی، معماری یادمانی عمومی، طبقات اجتماعی خاص، خط، علوم دقیقه، هنر طبیعی تجارت خارجی و بالاخره عضویت در گروه براساس محل سکونت و نه تبار و نژاد.

با این همه، نمونه‌های بسیاری از سکونتگاه‌هایی وجود دارد که از این ضوابط تخطی نموده‌اند. برای مثال جریکو، کاتال هویوک و سکونتگاه‌های ماقبل کلمبو پیش از پیدایش خط به وجود آمده‌اند. هاردوی در تعریف شهری از ده معیار استفاده می‌کند:

۱- وسعت و جمعیت زیاد با توجه به زمان و مکان خاص خود

۲- ثبات

۳- داشتن حداقل تراکمی خاص در رابطه با زمان و مکان خاص خود

۴- ساخت و بافت مشخص و خوانا به وسیله خیابان‌ها و فضاهای شهری

۵- محلی برای کار و زندگی مردم

۶- وجود حداقلی از عملکردهای خاص شهری چون بازار، مراکز اداری و یا سیاسی، مراکز نظامی، مراکز مذهبی، مراکز آموزشی و نهادهای وابسته به آن

۷- وجود سلسله‌مراتب اجتماعی ناهمگن و متفاوت

۸- وجود یک مرکز اقتصادی شهری در زمان و مکان خاص خود که یک حوزه نفوذ کشاورزی را به هم پیوند داده و در مواد تغییرات لازم را برای عرضه به بازاری بزرگ‌تر را انجام دهد.

۹- مرکز خدماتی برای مناطق هم‌جوار

۱۰- مرکز اشاعه فرهنگ که از یک شیوه زندگی شهری با زمان و مکان خاص خود برخوردار باشد.

چنین تعاریفی به بحث‌های عمده‌ای پیرامون قبول و یا رد موقعیت شهری مجتمع‌های زیستی مایاها در آمریکای مرکزی ماقبل کلمبیایی‌ها و یا آفریقاییان بومی و یا مجتمع‌های زیستی یورپا دامن می‌زند. نه تنها این مجتمع‌های زیستی که مجتمع‌های زیستی مهم چین باستان، کامبوج، جاوه، مصر و پرو در دوره ماقبل چیموها و یا حتی یونان ماقبل کلاسیک با این تعاریف کلاسیک تطابق ندارند. علاوه بر این، در میان فرهنگ‌های مختلف برای آن‌که به یک مجتمع زیستی واژه شهر اطلاق شود، وجود عناصر مختلفی ضروری است. برای مثال این عناصر در دنیای یونان هلنیستی عبارتند از تئاتر، ورزشگاه و تالار بار عام؛ در شهرهای اسلامی، مسجد جامع، بازار دائمی و حمام عمومی؛ در بین النهرین، کامبوج و یا در میان مایاها وجود یک معبد؛ در اروپا، حصار، بازار و حکومتی محلی که قوانین خود را اجرا نمایند و استقلال داشته باشد؛ در اروپای دوره کارولیان‌ها دژ، کلیسا و بازار؛ در هند معبد، قصر و بازار؛ در چین قدیم محرابی برای خدای خاک حصارها و معبدی برای نیاکان پادشاه. به بیانی دیگر، آنچه در میان فرهنگ‌های مختلف واژه شهر بدان اطلاق می‌شود متفاوت است و در حقیقت هر چه نمونه‌های مورد مطالعه در فضا و زمان گسترش یابد، استفاده از تعاریفی که براساس فرم‌های غربی به وجود آمده سخت‌تر می‌شود. با این همه، برخورد با این پیچیدگی سبب شناخت بهتر پدیده شهر و شهرنشینی شده و بالاخره به تعریفی که در حوزه‌ای وسیع‌تر قابل استفاده باشد می‌انجامد؛ بنابراین به یک مجتمع زیستی نه براساس ویژگی‌های خاص بافت آن و یا حتی مجموعه‌ای از این عناصر، بلکه براساس عملکردی خاص، که همان بخشیدن نظم به یک منطقه و ایجاد فضای مفید می‌باشد، می‌توان واژه شهر اطلاق نمود. ظاهراً امروزه این نظریه مورد قبول عموم صاحب‌نظران واقع شده است؛ بنابراین هر تعریفی از شهر که از اعتباری فرهنگی برخوردار باشد باید از مجتمع زیستی یاد کند که به طریقی سرزمین و یا منطقه وسیع‌تری را به نظم درآورد. در این صورت به مراکز تشریفاتی چون مراکز مایا و یا دیگر مراکز و مجتمع‌های زیستی یورپا در آفریقا و غیره می‌توان واژه شهر را اطلاق نمود. در واقع سازماندهی محیط‌های زیست وسیع‌تر می‌تواند حتی قبل از ایجاد مجتمع‌های زیستی خاصی که در واژه معمول غربی‌ها بدان شهر اطلاق می‌شود، صورت گیرد. برای مثال حکومت مائوری پولیتهی در زلاندنو حتی قبل از ایجاد مجتمع‌های زیستی خاص دارای سلسله‌مراتب و سازمان منظمی بوده است. بدین ترتیب می‌توان پذیرفت که شهرها ناگهان به وجود نیامده‌اند و انقلاب شهری به آن مفهوم وجود نداشته است. به عبارتی دیگر، چون فعالیت‌های انسانی معمولاً در زمینه‌ای سازمان‌یافته شکل می‌گیرد، انسان به ایجاد نظامی دست می‌زند که فصل مشترک آن از واحد مسکونی تا منطقه تداوم داشته باشد. بدین ترتیب کاهوکیا در آمریکای شمالی و در منطقه میدوست در نزدیکی شهر فعلی سن لوئیز، منطقه‌ای به وسعت تقریبی ۴۰ مایل مربع را که از شهرها و روستاهای کوچک‌تری تشکیل می‌شد، به نظم درآورده بود. طول محور شرقی - غربی آن ۳ مایل و محور شمالی - جنوبی آن ۲۴/۱ مایل بوده است. در این منطقه که ۳/۴۶ مایل وسعت داشته، اهرام خاکریزه، واحدهای مسکونی، آرامگاه‌ها و دوابیری از تیرهای چوبی و غیره وجود داشتند. قسمت مرکزی این منطقه توسط دیواری احاطه شده بود.

### تاریخچه پیدایش شهر

برای پیدایش و وجود شهر دیدگاه‌های مختلفی از طرف کارشناسان علوم مختلف وجود دارد. جغرافیدانان، تاریخ‌نویسان، انسان‌شناسان، سیاستمداران، جامعه‌شناسان و معماران هر کدام دلایل گوناگونی برای پیدایش شهر ارائه می‌دهند که اکثر آنها می‌تواند تا حدی اصولی و منطقی باشد. شهر به عنوان مرکز اداری و نظامی برای کنترل مملکت، شهر به عنوان منبع تشکیل فرهنگ و تمدن، شهر به عنوان محل تجارت و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و ... مفاهیمی هستند که در دوره‌های مختلف تاریخی دلایل برتر برای پیدایش و به وجود آمدن شهر به حساب می‌آمده است؛ ولی آنچه مسلم است این است که شهرها خاصیت مشترکی دارند و آن تمرکز افراد در یک فضا برای برآوردن خواسته‌های مشترکشان است و این تمرکز از نظر اقتصادی درون تمرکز نهفته می‌باشد، به همین دلیل تمرکز در شهرها بیشتر شده و شهرها رشد پیدا می‌کنند. به همین دلیل می‌توان گفت که دلایل برتر برای اثبات به وجود آمدن شهر دلایل اقتصادی می‌باشد. در اینجا به دو نظریه درباره منشأ پیدایش شهر از دیدگاه‌های اقتصادی می‌پردازیم:

سینجر: وی معتقد است که برای درک مسأله شهر ابتدا باید تفاوت و رابطه شهر و روستا را بررسی کرد. شهر زمانی می‌تواند وجود داشته باشد که نیروهای تولیدی در روستا تا آن حد تکامل یابند که قادر باشد مازاد تولید داشته باشند و این مازاد به شهر انتقال یابد. نظریه ابن‌خلدون: ابن‌خلدون پیدایش شهرها را در رابطه با نحوه زندگی اقتصادی بشر می‌داند که ابتدا فقط نیازهای ضروری خود را تولید می‌کند و سپس با افزایش بازده تولید به خواسته‌های تجملی هم روی می‌آورد که این امر به منزله اصل و منشأ شهرهاست.

### تعریف شهر از دیدگاه‌های مختلف

شهر از دیدگاه‌های مختلف دارای تعاریف متفاوتی است. ارائه تعریفی نسبتاً جامع و کامل از شهر که دربرگیرنده کلیه زمینه‌های تحقیقاتی مرتبط با شهر باشد کاری بس دشوار است. دلیل اصلی این امر را باید در ماهیت شهر و تنوع اشکال آن چه در زمان حال و چه در گذشته و وسعت موضوعات و مسائل مربوط به شهر جستجو کرد. با توجه به اینکه شهر مجموعه‌ای چندبعدی با اجزای بسیار متنوع است که با هم ارتباط متقابل داشته و پویایی شهر را سبب می‌شوند. به نظر می‌رسد یک تعریف مختصر و مفید و در عین حال جامع و مانع از شهر براساس ابعاد و جوانب مختلف شهر، کاری سخت و دشوار باشد. به همین دلیل بسیاری از برنامه‌ریزان شهری و شهرسازان و کلاً علمی که با شهر ارتباط دارند از خیر تعریف شهر براساس ابعاد و جوانب مختلف شهر گذشته و با افرادی چون روت گلاس هم عقیده شده‌اند که می‌گویند: «یافتن تعریفی واحد برای شهر به نحوی که نیازهای پژوهش‌های تجربی متنوع و متعدد را برآورد و برای همه انواع شهر در زمان‌ها و جوامع گوناگون مناسب تلقی گردد، غیرممکن است.» در اینجا ما برای روشن شدن این امر که رسیدن به تعریفی واحد در شهر دشوار می‌باشد، مهم‌ترین تعاریف شهری را مرور می‌کنیم.

تعریف شهر براساس آزاد شدن از قیود محیط طبیعی: برخی معتقد هستند که آزاد شدن از قیود محیط طبیعی می‌تواند ملاک خوبی برای تعریف شهر قرار گیرد و می‌گویند که باید ماهیت شهر را در آزاد شدن نسبی از محیط جستجو کرد و آن را معیاری برای درک مفهوم شهر و رسیدن به تعریف مناسب تلقی کرد. تردیدی نیست که شهر بیشتر از سکونتگاه‌های دیگر انسانی از قید محیط طبیعی رسته است.

### خصوصیات سیستم ارتباطی شهر

گذشته از این، در تقسیم مناطق و نواحی مسکونی وجود محدودیت‌های طبیعی و مصنوعی نقش مهمی را بازی می‌کند؛ مثل کوه‌ها، دره‌ها، رودخانه‌ها، راه‌آهن و خطوط برق فشارقوی. در طراحی پلان اصلی شهرهای کوچک، راه‌های حمل‌ونقل، پیاده‌روها، راه‌های تردد پیاده و ارتباط آنها با مراکز اشتغال و صنایع تأثیر بسزایی دارند؛ لذا در جهت طراحی پلان شهرهای کوچک، راه‌های ارتباطی مراکز اشتغال با سایر مناطق از اهمیت بیشتری برخوردارند. تقسیم و تفکیک صحیح شبکه‌های ارتباطی شهر و ایجاد راه‌های ارتباطی قابل قبول علمی و اصولی، تردد راحت افراد پیاده به بناهای مسکونی و محلات و مناطق خدماتی را امکان‌پذیر می‌سازد.

**نکته ۱:** تشکیلات سیستم ارتباطی شهر بستگی به بزرگی و پروفیل شهر دارد و مشخصه آن، میزان تقسیمات شهر به محلات و مناطق مختلف است. طراحی بهینه پلان اصلی شهر متراکم به استفاده از اراضی به صورت متشکل و برنامه‌ریزی شده بستگی دارد و باعث هدر رفتن اراضی فوق خواهد شد. در طراحی شهرهای کوچک موارد زیر باید رعایت شود:

- ۱- ارزش دادن به اراضی انتخاب شده جهت ایجاد مجتمع‌های مسکونی
- ۲- طراحی و برنامه‌ریزی پلان معماری عمومی شهر
- ۳- تعیین و ایجاد مراکز اجتماعی
- ۴- ایجاد شبکه‌های داخلی شهر به شرط اولویت دادن به راه‌های پیاده
- ۵- تعیین خصوصیات ساختمان‌های نواحی و مناطق مسکونی و تولیدی
- ۶- تعیین تعداد و روش تربیت مهندسان و کارشناسان عمران و آبدی
- ۷- طراحی و برنامه‌ریزی معماری مناطق مسکونی

در طراحی و برنامه‌ریزی پلان معماری مناطق مسکونی و انتخاب امکانات اقتصادی از جمله فلز، سنگ، ذغال سنگ، نفت، راه‌ها و منابع آب، در نظر گرفتن امکان توسعه براساس اصول علمی معماری برای ۲۵-۲۰ سال آینده لازم می‌باشد.





# مدرس‌ان شریف

## فصل هفتم

### «نظام سلسله‌مراتبی شهرهای ایران»

#### مقدمه

در چند دهه اخیر، شهرها با سرعت زیادی گسترش یافته و به شهرهای بزرگ تبدیل شده‌اند. این گسترش در مورد کشورهای توسعه‌نیافته حادث‌تر است. در این میان رشد وسیع شهرنشینی در دنیا در همه شهرها به‌طور متعادل صورت نگرفته است؛ بلکه عمدتاً شامل شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها بوده است. تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ تا آنجا پیش می‌رود که حتی در بعضی از کشورها ۳۰ درصد جمعیتشان را شامل می‌شود. کلان‌شهرهای بزرگ موجب بروز مشکلات اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و ... شده است. به‌دنبال یافتن راه‌حلهایی برای جلوگیری از تمرکزهای بی‌حدومرز و مشکلات ناشی از آن، مطالعه در نوع پراکندگی، شبکه شهر، نظام سلسله‌مراتبی، نوع عملکردها و نقش آن‌ها ضرورت پیدا می‌کند.

#### تعاریف و مفاهیم

در گذشته، شهر یا مرکز ناحیه فرایندی از کلیه تحولات، خواسته‌ها و نیازهای ناحیه بود که به صورت یک جماعت انسانی با جمعیت بیشتر و یک‌سری برتری‌های نسبی، خود را به گونه‌ای انتزاعی به ثبت می‌رساند، در صورتی که امروز نفوذ عوامل متعددی باعث به وجود آمدن نقاط ثقل و شبکه‌ای از مکان‌های مرکزی یا شهرهای بزرگ و کوچک شده که نقاط اطراف خود را به‌طور شدید تحت نفوذ قرار داده است.

تحولات اقتصادی و دخالت‌های انسانی باعث پیدایش قطب‌های بزرگ صنعتی و شبکه‌ای از شهرهای بزرگ یا «مگالاپلیس»‌ها گردیده و بدین ترتیب نظم فضایی خاصی را در سطح ناحیه‌ای، ملی و جهانی به‌وجود آورده است. یک شبکه شهری که به تبع شرایط جغرافیایی با نظم خاصی شکل گرفته است، می‌تواند از نظر کمی (تعداد جمعیت) و یا از نظر کیفی (اهمیت و نقش آن‌ها) طبقه‌بندی شود و در نظمی از یک پایه و ارتفاع در ردیف یا مرتبه‌ای پشت سر هم قرار بگیرد که اصطلاحاً به نام سلسله‌مراتب شهری نامیده می‌شود.

#### حد مطلوب جمعیت یا اندازه بهینه شهر

افزایش روزافزون جمعیت شهرها به‌خصوص در کشورهای توسعه‌نیافته موجب شده است که توجه محققان به مسائل و مشکلات ناشی از این افزایش جلب شود. مسلماً امروز به دلیل بروز مشکلات در شهرهای بزرگ نمی‌توان شهرهای میلیونی را آرزو کرد؛ ولی وجود آن‌ها واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است؛ به‌خصوص در شرایطی که مقیاس‌ها در سطح ملی تغییر کند و مسائل خاص اقتصادی، عدم تعادل ناحیه‌ای و روابط شهر و روستا را تغییر دهد. بدین جهت، امروز سیاست عدم تمرکز، سیاست پراکندگی و کنترل جمعیت‌ها و شهرهای بزرگ باب روز است و در اکثر کشورهای جهان ظاهر شده است. در عصر حاضر، شاهد افزایش دخالت‌های ارادی دولت‌ها در ابعاد شهری و نقش آن‌ها در آهنگ تحولات شهرها در حالت انتزاعی یا دسته‌جمعی هستیم. کنترل رشد پایتخت به عنوان یک امر ضروری و اساسی در بعضی از کشورهای پیشرفته، سوسیالیستی و جهان سوم در راستای اهداف گسترش موزون ملی صورت می‌گیرد. با این همه، شهرهایی هستند که در مقیاس جهانی فعالیت دارند (جهان‌شهرها) و شعاع عمل آن‌ها به خارج از مرزها گسترش یافته است (جهانی شدن).

این‌ها شهرهای چندنقشی یا «مولتی فونکسیونل» هستند. نقش این شهرها با نفوذ فرهنگی و اقتصادی‌شان مشخص می‌شود؛ بنابراین تصور حد مطلوب و اندازه بهینه شهر با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از عوامل چون رابطه اندازه شهر با هزینه‌ها و منافع ناشی از آن و افزایش مشکلات و مزایا به موازات ازدیاد جمعیت که در هر مرحله آستانه جدیدی را برای فعالیت‌ها مطرح می‌کند، چندان هم ساده و آسان نیست. بدین ترتیب، حد مطلوب اندازه شهر تمام مفهوم خود را در یک نظام سلسله‌مراتبی به دست می‌آورد که در آن اندازه‌های مختلف شهر وجود دارد. بنابراین مسئله توزیع جمعیت شهری در حد مطلوب در سلسله‌مراتبی مهم‌تر و منطقی‌تر از حد مطلوب و اندازه بهینه شهر است.

سلسله‌مراتب شهری از نظر کمی بهترین شکل سازماندهی فضا است؛ زیرا در این نوع توزیع منطقی، جمعیت شهری از کوچک‌ترین افراد جوامع دورافتاده تا متروپل‌ها، قطب‌ها و مراکز توسعه در ارتباط با همدیگر فعالیت دارند و توزیع اندازه شهرها با سلسله‌مراتبی از این عملکردها مطابقت دارد.

کج مثال ۱: نقش جهان شهرها با کدام یک از عوامل زیر مشخص می‌شود؟

(۱) اجتماعی (۲) سیاسی (۳) اقتصادی (۴) سلسله‌مراتبی

پاسخ: گزینه «۳» امروزه شهرهایی هستند که در مقیاس جهانی فعالیت دارند (جهان‌شهرها) و شعاع عمل آن‌ها به خارج از مرزها گسترش یافته است (جهانی شدن). این‌ها شهرهای چندنقشی یا «مولتی فونکسیونل» هستند. نقش این شهرها با نفوذ فرهنگی و اقتصادی‌شان مشخص می‌شود.

### سلسله‌مراتب شهری از نظر کیفی و عملکردی

در طبقه‌بندی شهر از نظر کیفی سلیقه‌های مختلف به کار گرفته شده است که از آن جمله، ارزیابی سلسله‌مراتب شهری با سطح فعالیت شهرها در زمینه بخش سوم فعالیت‌های شغلی یا ارزیابی سلسله‌مراتب شهری بر مبنای تجهیزات و وسعت فضای جاذبه شهری می‌باشد.

استفاده از تئوری‌های مکان‌مرکزی کریستالر یا همبستگی بین تعداد ساکنان و تعدادی از ویژگی‌های بنیادی فعالیت‌های تجاری از موارد دیگری هستند که در شناخت کیفی سلسله‌مراتب شهری مورد استفاده قرار می‌گیرند.

علی‌رغم پیچیدگی مسئله طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی شهرها و تنوع معیارهای پیشنهادی توسط جغرافیدانان و سایر دانشمندان، دیدگاه‌های مشابهی را در مجموعه مطالعات این دانشمندان می‌توان یافت و طبقه‌بندی‌های قابل قبولی را می‌توان ملاحظه کرد.

مقایسه دورنمای سلسله‌مراتب شهری با واقعیت سلسله‌مراتب شهری جهانی که در یک نظام نسبتاً به هم پیوسته شکل گرفته است، گرایش به تعمیم دورنمای پیش‌بینی شده و شکل‌گیری فضایی جهانی را تأیید می‌کند و در نتیجه الگویی را در سطوح مختلف نشان می‌دهد.

در شرایط فعلی، قطبی شدن فعالیت‌های جهانی و تسلط و برتری تعدادی از شهرهای مهم جهان، شکلی از سلسله‌مراتب شهری جهانی را عرضه می‌کند که مجموع شهرهای کشورهای پیشرفته و کم‌رشد را دربر می‌گیرد و جهت‌گیری توسعه آینده شهرها با فعالیت‌های کوچک در سطح ملی در این سلسله‌مراتب شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، از کوچک‌ترین جوامع دورافتاده تا متروپل‌های چندمیلیونی نوعی پیوستگی ارگانیک در سطح زمین نمایان می‌گردد.

کج مثال ۲: در شرایط فعلی، کدام عامل باعث شکل‌گیری سلسله‌مراتب شهری جهانی شده است؟

(۱) تحولات اقتصادی در کشورهای پیشرفته

(۲) قطبی‌شدن فعالیت‌های جهانی و تسلط برخی شهرها

(۳) نظام سیاسی حاکم بر جامعه جهانی

(۴) تقسیم جهانی کار و تسلط و برتری برخی از کشورها بر اقتصاد جهان

پاسخ: گزینه «۲» در شرایط فعلی، قطبی شدن فعالیت‌های جهانی و تسلط و برتری تعدادی از شهرهای مهم جهان، شکلی از سلسله‌مراتب شهری جهانی را عرضه می‌کند که مجموع شهرهای کشورهای پیشرفته و کم‌رشد را دربر می‌گیرد و جهت‌گیری توسعه آینده شهرها با تفاوت‌های کوچک در سطح ملی در این سلسله‌مراتب شکل می‌گیرد.

### جایگاه و نظام سلسله‌مراتبی جوامع و شهرهای ایران

اصولاً در ایران در گذشته، شهرستان‌های هر منطقه هر کدام به صورت یک ناحیه مستقل عمل می‌کردند و مرکز شهرستان تنها شهر مرکزی بود و منطقه شهری بدون سلسله‌مراتب، جوامع انسانی را در حوزه نفوذ خود نگه می‌داشت و یک «پولاریزاسیون» قوی بر فضای پیرامون خود پدید می‌آورد که در ارتباط با هر یک از شهرها و حوزه نفوذ، اهمیت و ارزش آن‌ها تعیین می‌شد. نقش شهری چیزی جز روستا نبود و موجودیت آن اساساً ناشی از حوزه نفوذ بود و از این حوزه نفوذ بود که شهر برای رشد و توسعه اقتصادی، قسمت اعظم نیروی محرک و نیز ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی خود را دریافت می‌کرد. نظام روابط شهر و روستا اکثراً به سبب نبود شبکه منظم جوامع انسانی، بدون نقش میانی شهرهای کوچک و متوسط پایه‌ریزی شد و تمام روستاها مستقیماً و بدون واسطه با مرکز شهرستان در ارتباط بودند.



با گذشت زمان و به دنبال تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران، نقاط شهری رو به افزایش نهادند، به طوری که سرشماری‌های مختلف نشان می‌دهند که به تدریج نقاط کوچک شهری در اطراف مراکز شهری و تا اندازه‌ای در مراکز جوامع روستایی ظاهر شدند؛ چنانچه بخشی از ارتباط متقابل شهرهای متوسط و مراکز شهرستان با روستاهای اطراف از طریق نقاط کوچک شهری انجام می‌گیرد و بدین ترتیب در طول سه دهه اخیر به موازات تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، روابط شهر و روستا و عملکردهای گوناگون شهرها و نظام شبکه شهری ایران نیز تغییر یافته است.

**کج مثال ۳:** سلسله‌مراتب شهری از نظر کمی، بهترین شکل ..... است.

- (۱) سازمان‌یابی شهر (۲) اندازه مطلوب شهر (۳) سازماندهی فضا (۴) توزیع جمعیت

پاسخ: گزینه «۳» حد مطلوب اندازه شهر تمام مفهوم خود را در یک نظام سلسله‌مراتبی به دست می‌آورد که در آن اندازه‌های مختلف شهر وجود دارد؛ بنابراین مسأله توزیع جمعیت شهری در حد مطلوب در یک نظام سلسله‌مراتبی مهم‌تر و منطقی‌تر از حد مطلوب و اندازه بهینه شهر است. سلسله‌مراتب شهری از نظر کمی بهترین شکل سازماندهی فضا است؛ زیرا در این نوع توزیع منطقی، جمعیت شهری از کوچک‌ترین افراد جوامع دورافتاده تا متروپل‌ها و قطب‌ها در ارتباط با همدیگر فعالیت دارند و تنوع اندازه شهرها با سلسله‌مراتبی از این عملکردها مطابقت دارد.

### الگوی سلسله‌مراتب شهری از نظر کمی

بیش از نیم قرن است که «اوئر باخ» (۱۹۱۳) ارتباط اندازه شهرها را با مرتبه یا ردیف آن‌ها مورد بحث قرار داده است. به دنبال این دانشمند موضوع روابط، اندازه و مرتبه شهری در سال ۱۹۲۶ توسط «لوتکا» مورد استفاده قرار گرفت و بالأخره در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۹ این نوع بررسی در شهرها توسط «ژرژ کینگ زیپف» به طور کامل فرمول‌بندی و مورد عمل واقع شد؛ بدین ترتیب،  $P_n = P_1(n)^{-1}$ . در این فرمول،  $P_1$  جمعیت شهر اول،  $P_2$  جمعیت شهر دوم و  $P_n$  جمعیت کوچک‌ترین و آخرین شهر است. با کمک این فرمول می‌توان اندازه و مرتبه شهرها را مورد بررسی قرار داد. در این تئوری شهرها در یک سلسله‌مراتب آماری در یک منطقه یا کشور و در یک نظم ریاضی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

به دنبال ارائه این تئوری مطالعات مختلفی در نواحی گوناگون جهان شروع شد. در ایالات متحده آمریکا «والتر ایزارد» در سال ۱۹۶۵ نشان داد که روابط بین اولین شهر تا پنجمین شهر در یک نظام سلسله‌مراتبی اختلاف چندانی با تئوری پیشنهادی زیپف نشان نمی‌دهد. در سال ۱۹۵۸، «استوارت» نیز رابطه بین اولین و دومین شهر را در ۷۲ کشور جهان مورد مطالعه قرار داد و ملاحظه کرد که در مجموع این کشورها، ضریب پیشنهادی رابطه اولین و دومین شهر در تئوری زیپف صدق نمی‌کند.

سرانجام ریچاردسون (۱۹۷۳) شاخص چهار شهر پارتو را با معیارهای قاعده رتبه - اندازه تطبیق داد. بدین گونه که براساس قاعده رتبه - اندازه شهری، اندازه مطلوب شهر در نظام شهری این‌گونه باید باشد که شهر اول دو برابر شهر دوم، سه برابر شهر سوم و چهار برابر شهر چهارم باشد.

### ارزیابی سلسله‌مراتب شهری ایران

بررسی‌های مقدماتی و تئوریک سلسله‌مراتب شهری همان‌طور که عنوان شد، ورود در مقوله روابط سیستماتیک سلسله‌مراتب شهری، نقش، اهمیت و تحقیق در مقایسه آن‌ها را ایجاب می‌کند. بر مبنای آمارگیری سال‌های ۱۳۶۵، ۷۵ و ۸۵ در ایران کلاً ۴۹۶، ۶۱۲ و ۱۰۱۲ شهر در کشور وجود داشته است که جمعاً نزدیک به ۲۷ میلیون یا ۵۴/۳ درصد جمعیت کل کشور را تا ۳۶ میلیون یعنی ۶۱ درصد و ۴۸ میلیون یعنی ۹۶/۶ درصد جمعیت دربرداشته است.

این بررسی‌ها از نظام سلسله‌مراتبی کشور توسعه شهرهای بزرگ، تراکم جمعیت و وجود شهر تهران را به عنوان شهر برتر و نخستین در طول ۶ دوره سرشماری نشان داد و اینکه این تفوق و برتری از گذشته تا حال افزایش یافته است. بعد از تهران ملاحظه می‌شود که فضای ملی پیرامون چند متروپل سازمان یافته است که کادر بالای خدمات تخصصی، اقتصادی و سیاسی را نسبت به شهرهای پایین‌تر از خود عرضه می‌دارند و بالاخره، شبکه شهرهای متوسط و کوچک که ضمن پیوستگی با مراتب بالای نظام شهری ایران روابط ارگانیک خود را هنوز با جامعه روستایی و کشاورزی حفظ کرده و به صورت اقمار و حاشیه‌ای در نظام شبکه شهری ایران تجلی یافته‌اند.

تحولات شهرها و جمعیت شهری در زمان نیز چشمگیر است. افزایش سهم جمعیت شهری در کل جمعیت کشور و افزایش تعداد و جمعیت شهرها به‌خصوص در سطوح بالای جمعیت شهری مشهود است.

### ارزیابی الگوی اندازه - مرتبه شهرهای ایران

استفاده از تئوری اندازه - مرتبه زیپف و رسم منحنی لگاریتمی شهرهای ایران در طی ۶ دوره سرشماری حقایق زیر را آشکار می‌سازد: اولاً در کل منحنی‌های ترسیم شده، اختلاف با خط نرمال خیلی زیاد است و عدم تعادل در تعداد مراتب شهری اختلاف آن‌ها را با خط واقعی مراتب مختلف شهری نشان می‌دهد. ضمن این‌که اختلاف در سطوح پایین و بالای مراتب شهری مشهود است، عدم تعادل در تعداد مراتب شهری در تمام سطوح ملاحظه می‌شود؛ به‌خصوص که تعداد شهرهای ۷۵ تا ۱۰۰ و ۲۵۰ هزار نفری، یعنی شهرهای متوسط، نسبت به تعداد دیگر مراتب شهری حد کمتری را نشان می‌دهد. در سایر مراتب شهری نیز، به‌خصوص در سطوح پایین، عدم تعادل به چشم می‌خورد.



مقایسه دوره‌های سرشماری، گرایش به حد مطلوب سلسله‌مراتب شهری را با گذشت زمان بازگو می‌کند؛ ولی به علت اختلاف زیادی که با خط نرمال دارد، عدم تعادل هنوز به قوت خود باقی است. گرایش به تعادل در سطوح بالا مشهود است، ولی در سطوح پایین، به خصوص در شهرهای کمتر از یک‌صد هزار نفر، آنچنان بهبودی ملاحظه نمی‌گردد. بدین ترتیب، اختلاف فاحش بین تعداد هر یک از مراتب شهری و قانون زیپف مشخص می‌کند که گرایش به افزایش شهرها با اندازه بزرگ‌تر به دلیل سیاست‌های اقتصادی و ازدیاد تعداد شهرهای کم‌جمعیت نتیجه سیاست‌های اداری کشور است. بدیهی است که این دو گروه از شهرها هیچ تناسبی با هم ندارند. اختلافات ناحیه‌ای و سیاست‌های اداری تا اندازه‌ای به این مسائل دامن می‌زنند؛ ولی سیاست اقتصادی عامل مهمی در توزیع نامتعادل سلسله‌مراتب شهری است.

اساساً در هر دوره سرشماری شاهد افزایش میزان جمعیت هستیم. در این میان فقط چند شهر به صورت منطقه‌ای و متروپل ناحیه‌ای توانسته‌اند خود را به سطوح بالاتر انتقال دهند و در سطوح پایین و متوسط به جز افزایش تعداد محدود جمعیت شهرها، تعداد آن‌ها نیز تغییرات چندانی به خود ندیده است. فقط شهرهای صد هزار نفر به بالا توانسته‌اند همراه افزایش اولین شهر با متروپل ملی، هم از نظر تعداد و هم از نظر اندازه افزایش یابند. گرایش به افزایش تعداد جمعیت اولین شهر، استخوان‌بندی شبکه و نظام شهری ایران را از حالت هرمی متعادل خارج کرده و کشیدگی در رأس منحنی را باعث شده است. بدین ترتیب، خصوصیات یک کلان‌شهر فائق و برتر با ویژگی یا ویژگی‌های برتری یک شهر را در سلسله‌مراتب شهری و شبکه فضایی در سطح ملی کاملاً نمایان می‌سازد. این امر در طول دوره‌های مختلف افزایش پیدا کرده و الگوی نخست شهری را به وجود آورده است.

به طور کلی، ویژگی‌های اساسی نظام شهری در ایران عبارتند از: افزایش تعداد شهرهای بزرگ و مادرشهرها، افزایش تعداد شهرهای کوچک و تناسب نسبی نسبت شهرنشینی در شهرهای کوچک (در تقسیمات فعلی) و متوسط در سال‌های گذشته. در این میان، توسعه شهرهای بزرگ و تراکم جمعیت در آن‌ها مشخصه اصلی نظام شهری کشور است و شهر تهران خارج از ترتیب منظم نظام شهری کشور به عنوان شهر برتر یا شهر نخستین تفوق و برتری خود را در زمینه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی حفظ کرده است.

**شهرهای بزرگ کشور در سطحی پایین‌تر از ترتیب شهرها از بالا به پایین و در سطحی بالاتر از ترتیب شهرها از پایین به بالا قرار گرفته‌اند.** بدین ترتیب، شهرهای بزرگ در سطحی بالاتر از ترتیب شهرها میان شهرهای بزرگ و متوسط و پایین‌تر از متروپل ملی واقع شده‌اند. در مجموع شهرهای ایران، هفت تا ده شهر بزرگ مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز، کرمانشاه، قم و ... از شهرهای پایین‌دست و بالادست خود یعنی تهران بریده‌اند و در نظام سلسله‌مراتبی آماری شهرهای کشور گسستگی به وجود آورده‌اند. از این رو، به تدریج زمینه‌های لازم برای پیوستن به شبکه جهانی و دایره سرمایه‌داری جهانی در سطوح بالای سلسله‌مراتب شهری نمایان می‌شود.

گفتنی است که شهر تهران با تمرکز و برتری در سطح ملی، ضمن حفظ ارتباط با چند شهر بزرگ داخلی و با پولاریزاسیون کامل شبکه شهری در سطح ملی، مجموعه عوامل رشد را به خود اختصاص داده و با پیوند با مادرشهرهای جهانی موقعیت خود را در سطح فراملی به ضرر نظام شهری در سطح ملی تحکیم بخشیده است. این گرایش علی‌رغم محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی، به خاطر عدم توجه کافی به سطوح پایین شبکه و سلسله‌مراتب شهری ایران هنوز هم در حال رشد است و گسستگی در نظام سلسله‌مراتب شهری ایران را موجب شده است.

**کج مثال ۴: ازدیاد شهرهای کم‌جمعیت از نظر تعداد، نتیجه کدام سیاست کشوری است؟**

(۲) سیاست رهایی از فقر روستایی

(۱) سیاست اقتصادی

(۴) سیاست رسیدن به تعادل

(۳) سیاست اداری

پاسخ: گزینه «۳» در سلسله‌مراتب شهری ایران طی ۶ دوره سرشماری، گرایش به تعادل در سطوح بالا مشهود است؛ ولی در سطوح پایین، به خصوص در شهرهای کمتر از یک‌صد هزار نفری، آنچنان بهبودی ملاحظه نمی‌گردد. بدین ترتیب، اختلاف فاحش بین تعداد هر یک از مراتب شهری و قانون زیپف مشخص می‌کند که گرایش به افزایش شهرها با اندازه بزرگ‌تر به خاطر سیاست‌های اقتصادی و ازدیاد تعداد شهرهای کم‌جمعیت نتیجه سیاست‌های اداری کشور است.

**کج مثال ۵: کدام یک از موارد زیر استخوان‌بندی شبکه و نظام شهرهای ایران را از حالت هرمی متعادل خارج کرده است؟**

(۲) توسعه شهرهای بزرگ و تراکم جمعیت آن‌ها

(۱) افزایش تعداد شهرهای بزرگ و مادرشهرها

(۴) افزایش تعداد جمعیت اولین شهر کشور

(۳) پیوستن شهرهای بزرگ به شبکه جهانی

پاسخ: گزینه «۴» گرایش به افزایش تعداد جمعیت اولین شهر، استخوان‌بندی شبکه و نظام شهرهای ایران را از حالت هرمی متعادل خارج کرده و کشیدگی در رأس منحنی را باعث شده است. بدین ترتیب، خصوصیات یک کلان‌شهر فائق و برتر با ویژگی‌های برتری یک شهر را در یک سلسله‌مراتب شهری و شبکه فضایی در سطح ملی کاملاً نمایان می‌سازد. این امر در طول دوره‌های مختلف افزایش پیدا کرده و الگوی نخست شهری را به وجود آورده است.

## ایجاد تعادل در نظام شهری ایران

### ۱) سیاست‌های جدید

کل شهر نه تنها در یک محدوده ملی مشخص ثبت شده، بلکه هر یک از فعالیت‌هایش، مخصوصاً فعالیت‌های خدماتی آن، کاملاً وابسته به موقعیتی است که شهر در یک سیستم شهری، ناحیه‌ای یا کشوری اشغال کرده است. همین‌طور، با تغییر جریانات و روابط بین آن‌ها که بدان وسیله شهر با هسته‌های مختلف مربوط می‌شود، نظام شهری تغییر می‌کند. در اکثر شبکه‌های شهری، فعالیت‌های خدماتی به تجمع در یک کانون یا در مکان‌های مرکزی گرایش پیدا می‌کند که بنابر نقش و اهمیت خود، سلسله‌مراتبی را در ترکیب فضایی شهر اشغال می‌کند و بدین وسیله، به همراه ظهور عوامل جدید تغییراتی در سلسله‌مراتب شهری به وجود می‌آورند.

در کشورهای جهان سوم نیز نفوذ یا پولاریزاسیون قوی پایتخت‌ها و قطبی شدن آن‌ها نظام خاصی از شبکه شهری را به وجود آورده است و با تغییر این نظام و شبکه شهری، کاهش نفوذ قطب‌گرایی پایتخت و ایجاد تعادل در نظام شهری مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به مشکلات ناشی از تمرکز و افزایش جمعیت شهرهای بزرگ، به‌خصوص پایتخت‌ها، سیاست‌های مختلفی در ایجاد تعادل در نظام شهری اعمال می‌گردد. یکی از این سیاست‌ها ایجاد امکانات توسعه برای شهرهای متوسط در نظام سلسله‌مراتب شهری است که از طریق تشویق به سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و سیاست عدم تمرکز حاصل می‌شود. مورد دوم تزریق شهرهای جدید در سلسله‌مراتب شهری است که از طریق ایجاد شهرهای اقماری در اطراف پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ انجام می‌گیرد، مثل لندن و بالاخره تغییر مرکز سیاسی، ایجاد قطب‌ها و شهرهای صنعتی جدید. تغییرات در نظم اداری - سیاسی نیز از جمله اقداماتی است که در جهت ایجاد تعادل در نظام شهری موجود انجام می‌گیرد.

نظم سلسله‌مراتبی شهری ایران تجدیدنظر در این نظم را ایجاد می‌کند و همان‌طور که اظهار شد، شهرهای بزرگ با عدم پیوستگی کامل با شهرهای متوسط و کوچک از بالاترین رشد برخوردار بوده و اکثر سطوح عالی خدماتی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان سیاست عدم تمرکز و ایجاد شهرهای جدید مورد توجه قرار گرفته است. ایجاد شهرهای جدید خارج از اهداف صنعتی و اقتصادی آن‌ها در شرایطی که در جاذبه حوزه نفوذ و شعاع عملکرد شهر بزرگ قرار داشته باشند، ولو این‌که از جنبه‌های مختلف خودکفا باشند، تأثیر چندانی در نظم‌بخشی و ایجاد تعادل سلسله‌مراتب شهری نخواهد داشت.

### ارزیابی نهایی

آزمایش نظریه رتبه - اندازه در ایران با استفاده از آمارهای ۶ دوره سرشماری از طریق روابط تعداد جمعیت هر شهر و مرتبه آن‌ها و درصد تعداد شهرها در هر مرتبه و اندازه، منحنی‌های مشابهی را ارائه می‌کند که هر دو با خط نرمال پیشنهادی اختلاف زیادی را نشان می‌دهند. به طور کلی، ویژگی‌های اساسی نظام شهری ایران در ارتباط با این تئوری به شرح زیر است:

۱) ضمن این‌که اختلاف در سطوح پایین و بالای مراتب شهری مشهود است، عدم تعادل در تعداد مراتب شهری در تمام سطوح ملاحظه می‌شود.  
۲) مقایسه دوره‌های مختلف سرشماری، گرایش به حد مطلوب سلسله‌مراتب شهری را در گذشت زمان نشان می‌دهد؛ ولی به علت اختلاف زیاد با خط نرمال، عدم تعادل هنوز به قوت خود باقی است.

۳) گرایش به افزایش تعداد شهرهای بزرگ‌تر و فزونی تعداد شهرهای کم‌جمعیت ملاحظه می‌شود؛ ولی این دو گروه با همدیگر متناسب نیستند و افزایش جمعیت و تعداد شهرهای بزرگ به ضرر شهرهای متوسط و کوچک و تا اندازه‌ای روستاها عمل می‌کند. افزایش تعداد و اندازه شهرهای بزرگ و پایتخت ناشی از مهاجرت جمعیت روستایی و افزایش تعداد شهرهای کوچک ناشی از افزایش طبیعی جمعیت شهر و روستا می‌باشد.

۴) شهرهای بزرگ در سطح پایین‌تر از ترتیب شهرها از بالا به پایین و در سطحی بالاتر از ترکیب شهرها از پایین به بالا قرار گرفته‌اند و در مجموع، هفت تا ده شهر بزرگ کشور از شهرهای بالادست و پایین‌دست یعنی شهرهای متوسط و کوچک بریده‌اند.

۵) وجود شهر تهران به عنوان مادرشهر ملی و پایتخت کشور به علت افزایش بیش از حد جمعیت، خارج از ترتیب منظم شهری کشور، به عنوان یک شهر برتر و نخستین نفوذ و برتری خود را در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی حفظ کرده است. بدین ترتیب، ضمن پیوستن به شبکه دایره سرمایه‌داری جهانی و همچنین حفظ ارتباط با چند شهر بزرگ داخلی (پولاریزاسیون کامل شبکه شهری در سطح ملی) مجموعه عوامل رشد را به خود اختصاص داده است و با جایگزینی در سطح جهانی به ضرر نظام شهری عمل کرده و موجبات گسستگی در نظام سلسله‌مراتب شهری ایران را فراهم آورده است.

۶) به طور کلی، ملاحظه نمودارها و جدول‌های مربوط، به خوبی گسستگی در سیستم شهری را نشان می‌دهد که این خود تقویت شهرهای متوسط کشور را ایجاد می‌کند.

ملاحظات مذکور ادامه راه‌حل‌های منطقی را با توجه به شرایط جغرافیایی یادآور می‌شود. تفاوت شدید ناحیه‌ای، توزیع نامتعادل شهرها و مکان‌گزینی آن‌ها که در ارتباط تنگاتنگ با شرایط زیست‌محیطی، سوابق تاریخی و به دنبال آن تقسیمات سیاسی و توسعه اقتصادی می‌باشد، مبنای اصلی عدم تعادل در نظام شهری ایران را تشکیل می‌دهند، به طوری که بعضی مراکز شهری تبدیل به نقاط غالب و ممتاز شده و نقش رهبری حیات اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی را در مناطق عمده کشور یافته‌اند؛ در حالی که بقیه فضای ملی وابسته به آن‌ها و تحت نفوذ آن‌ها است و باعث دوگونه شدن و حتی شکاف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نظام شهرنشینی و سیستم شهری شده است.

## سیاست‌های راهبردی کاهش عدم تعادل نظام شهری

با توجه به مجموعه مسائل و عدم تعادلی که در نظام شهری ایران مشهود است و با توجه به تجربه‌هایی که در کشورهای مختلف جهان به دست آمده و در سطح ملی نیز تجربه شده است، در جهت کاهش عدم تعادل نظام شهری ایران سیاست‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

**(۱) کنترل از بالا:** در سلسله‌مراتب شهرهای ایران طی چند دهه اخیر، تهران به کلی خارج از ترتیب منظم شهری قرار گرفته و به عنوان شهر برتر و نخستین، تفوق و برتری خود را، که دارای زمینه‌های تاریخی و سیاسی نیز می‌باشد، حفظ کرده است و در مجموع شهرهای بزرگ از شهرهای پایین‌دست و همچنین از بالادست و خود تهران بریده‌اند و در نظام سلسله‌مراتبی شهر ایران گسستگی به وجود آورده‌اند.

استخوان‌بندی شبکه و نظام سلسله‌مراتبی شهرهای کشور در واقع به صورت هرمی نیست، بلکه دو سطحی است و این دو سطح عبارتند از: الف - سطح بالا و عالی خدماتی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی متمرکز در شهرک‌های منطقه‌ای و مراکز سیاسی کشور متشکل از تهران و شهرهای یادشده

ب - شبکه شهرهای کوچک و متوسط که از پیوستگی و زیر پوشش درآوردن فضایی تمام پهنه سرزمین ملی برخوردار هستند. این مراکز مستقیماً با جامعه روستایی و فضای کشاورزی در ارتباط‌اند، ولی نقش چندانی در خدمات‌رسانی و توسعه اقتصادی ناحیه‌ای ندارند. اساساً دو سطحی بودن نظام شهری حاصل تفاوت‌های ناشی از شرایط جغرافیایی و تاریخی و تفاوت‌های ناشی از دسترسی به منابع و شرایط در برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی است. نظام سلسله‌مراتبی شهرهای ایران بر ایفای نقش عملکرد سلسله‌مراتبی کانون‌ها و فضاهای شهری مبتنی نمی‌باشد. شمار کانون‌های شهری و توزیع فضایی و حجم جمعیتی آن‌ها از سلسله‌مراتب شهری تبعیت نمی‌کند. توزیع جغرافیایی مراکز زیستی در نظام شهری ایران نشان می‌دهد که در شهرهای بزرگ و کوچک از نظر کمی و کیفی، عملکردی، حوزه نفوذ و کارکردهای منطقه‌ای تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. نکته قابل ذکر این‌که شهرهای بزرگ و تهران از لحاظ خدمات تخصصی و تجاری عمده به آستانه سودآوری رسیده‌اند. به طور کلی، روند شهرنشینی و رشد جمعیت آن در دهه اخیر کاهش یافته است و در این میان، شهرهای متوسط از افزایش نسبی برخوردارند و شهرهای بزرگ نیز به موازات تهران به رشد خود هم‌پای با آن ادامه می‌دهند.

**(۲) تباین جغرافیایی: تباین جغرافیایی در ایران به عدم تعادل ناحیه‌ای منجر شده است که نتیجه آن تفاوت در ساختار و پراکندگی جمعیت در سطح ملی است و بدین ترتیب شکل‌گیری فضای ملی را دچار اختلاف کرده است. به علاوه، بنیادهای جغرافیایی در جذب جمعیت نیز شرایط اکولوژیک خاص خود را طلب می‌کنند که عدم تعادل در آن موجب برهم خوردن شرایط زیست‌محیطی خواهد شد؛ بنابراین هرگونه تصمیم‌گیری در سیاست تعادل بخشی در نظام شهری ایران باید از پایین شروع شود تا ضمن حفظ روابط ارگانیک مکان‌های مرکزی و بالآخره شهرها با نواحی و قلمرو طبیعی و جوامع انسانی داخل یک سیستم با حفظ وابستگی بنیادهای متعلق، مجموعه‌ها در مفهوم فضایی آن شکل گیرند. بدین طریق، ضمن نفوذ فرهنگ شهرنشینی به جوامع کوچک‌تر و روستایی، روابط ارگانیک آن‌ها با مراتب بالاتر خود نیز حفظ خواهد شد و عدم تعادل به خودی خود برطرف خواهد شد. مضاف بر این‌که پتانسیل کافی برای جذب سرمایه‌گذاری‌ها و حفظ آن در سطوح پایین سلسله‌مراتب شهری بدون پولاریزاسیون شهرهای بزرگ نیز فراهم خواهد آمد.**

**(۳) توسعه شهرهای میانی:** مسلماً ضرورت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، پیدایش قطب‌های توسعه را ایجاد می‌کند و بخشی از این سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی آستانه‌ای از تمرکز جمعیت و نیروی انسانی را طلب می‌کند که ضرورتاً قطبی شدن بعضی از شهرها و یا ایجاد مراکز جدید را دربر خواهد داشت. با توجه به نمودار سلسله‌مراتب شهری و کمبود یا غیرفعال بودن شهرهای متوسط در نظام شهری ایران، چنین سرمایه‌گذاری‌هایی حد مطلوب انتفاع ملی خود را در این شهرها خواهند یافت. بدین ترتیب، ضمن ایجاد تعادل در سطوح بالای سلسله‌مراتب شهری، تقویت سطوح پایین سلسله‌مراتب شهری را نیز موجب خواهند شد.

**(۴) ایجاد شهرهای جدید:** ایجاد این شهرها خارج از اهداف صنعتی و اقتصادی آن‌ها در شرایطی که در جاذبه و شعاع عملکرد شهر بزرگ قرار داشته باشد، جز افزایش سهم و اندازه شهر مرکزی در نظام شهری نتیجه‌ای نخواهد داد. ضمن این‌که عدم تعادل اکولوژیک را تشدید می‌کند، عدم تعادل فضایی در سطح منطقه‌ای و ملی را نیز موجب خواهد شد و تأثیر چندانی در نظم‌بخشی و ایجاد تعادل سلسله‌مراتب شهری نخواهد داشت. ضرورت ایجاد شبکه‌ای از مادرشهرهای منطقه‌ای و ناحیه‌ای ایجاد شهرهای جدید را در مناطق عقب‌مانده با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی و منابع طبیعی ایجاد می‌کند.

**کلمه مثال ۶:** سرمایه‌گذاری‌ها حد مطلوب انتفاع ملی خود را در کدام شهرها به دست می‌آورند؟

(۱) شهرهای بزرگ (۲) شهرهای متوسط (۳) شهرهای کوچک (۴) متروپل ملی

پاسخ: گزینه «۲» ضرورت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، پیدایش قطب‌های توسعه را ایجاد می‌کند و بخشی از این سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی آستانه‌ای از تمرکز جمعیت و نیروی انسانی را می‌طلبد که ضرورتاً قطبی شدن بعضی از شهرها و یا ایجاد مراکز جدید را دربر خواهد داشت. با کمبود و یا غیرفعال بودن شهرهای متوسط در نظام شهری ایران، چنین سرمایه‌گذاری‌هایی حد مطلوب انتفاع ملی خود را در این شهرها خواهند یافت.



کج مثال ۷: دو سطحی بودن نظام شهری حاصل کدام یک از شرایط می‌باشد؟

- ۱) تفاوت‌های ناشی از شرایط جغرافیایی و تاریخی  
 ۲) تفاوت‌های ناشی از دسترسی به منابع  
 ۳) تفاوت در شرایط برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی  
 ۴) همه موارد

پاسخ: گزینه «۴» دو سطحی بودن نظام شهری حاصل تفاوت‌های ناشی از شرایط جغرافیایی و تاریخی و تفاوت‌های ناشی از دسترسی به منابع و شرایط در برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی است. نظام سلسله‌مراتبی شهرهای ایران بر ایفای نقش عملکرد سلسله‌مراتبی کانون‌ها و فضاهای شهری مبتنی نمی‌باشد.

## شهر و نظام شهری در طرح‌های توسعه ملی

شهرهای ایران همگام با جریان‌های تاریخی ایران سیر پر فراز و نشیبی داشته‌اند. بازتاب این سیر تکاملی تا اوایل قرن حاضر در کالبد شهرهای ایران قابل مشاهده بود. عناصر جدید شهری در پیوند با کالبد گذشته شهرهای ایران مجموعه‌ای نامتجانس را پدید آورد. چنین دگرگونی و تحولی ریشه در تحولات سیاسی - اقتصادی قرن حاضر دارد و معضلات امروز شهرهای ما نتیجه دگرگونی‌های سیاسی - اقتصادی و ادامه روند رشد شتابان شهرنشینی است که هر روز پیچیده‌تر و نسبت به روز قبل بغرنج‌تر می‌شود.

اتخاذ هر تصمیمی قطعاً وابسته به بازنگری گذشته این جریان، علل جریان‌های تقویت‌کننده، راه‌های هدایت، سیاست‌ها و راهبردهای مربوط به حفظ و بازسازی میراث‌های شهری، کنترل توسعه‌ی فضایی و ایجاد شهرها و شهرک‌های جدید است که بنا بر مقتضیات زمانی و مکانی برنامه‌ریزی و طرح‌های خاصی را طلب می‌کند.

### ۱) بازتاب تحولات شهر و شهرنشینی در نظام کالبدی شهرها

شهرهای ایران در یک دوره ۱۴۰۰ ساله بعد از اسلام به سیر تکاملی خود ادامه داده، وارث نظام شهرنشینی با ویژگی‌های فرهنگی، ملی و مذهبی خود بودند. در چنین روندی، شهرها در فراز و نشیب‌های تاریخی و سیاسی به همراه تحولات اقتصادی، که از یک جریان مستمر و هماهنگ برخوردار بود، دگرگونی‌هایی بر چهره خود یافتند که نهایتاً به رونق شهرنشینی و آبادانی شهرها منجر شد.

شهرها به آرامی و بدون برنامه‌ریزی قبلی و طرح‌های از پیش تعیین شده به تحول و تکامل خود ادامه می‌دادند. تغییرات کالبدی به آرامی در یک نظام به هم پیوسته انجام می‌گرفت و توسعه فضایی به دلایل امنیتی خیلی کمتر اتفاق می‌افتاد. اقتصاد شهری در یک بستر اقتصادی وابسته به عوامل درون‌زا و ناحیه‌ای و برای بعضی شهرها در یک جریان توسعه تجاری خارجی و داخلی شکل می‌گرفت و هماهنگ با این نظم و امکانات تولید اقتصادی شهرها رونق یافته و یا از رونق می‌افتاد و نظام شهری شکل می‌گرفت.

ورود غیرمنتظره و نابهنگام سرمایه خارجی به چهارچوب شهر از اواخر قرن نوزدهم، وابسته شدن تجارت ملی و حکومت به نهادهای استعماری و سرمایه‌گذاری آنان در شهرها به گونه‌ای به شهرگرایی و شهرنشینی نابهنگام و ناهمگون حیات بخشید. بازرگانان، تجار و سرمایه‌داران خارجی به سرعت با استبداد مطلق بعد و قبل از انقلاب مشروطه رابطه‌ای نزدیک برقرار کردند، حیات اقتصادی شهرها را مورد تهدید قرار دادند و آن‌ها را از تکاپو انداختند.

در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، حکومت مطلق پهلوی به دلایل خاص، مثل تباین با حکومت‌های قبل از خود، شهر را اجباراً به عنوان پایگاه قدرت و تحولات انتخاب کرد. دستور روز از این پس دگرگونی شهرهاست. نظام ارباب رعیتی صورتی قانونی پیدا کرد و با نظر به نیاز گردش سرمایه و کار در داخل شهرها، قوانین شهری مثل قانون بلدیة را برای سروسامان دادن شهرها تدوین و تغییرات در ساختار فیزیکی شهرها را آغاز کرد. در راستای این طرح، تحولات سیمای جدید شهر و مفهوم سود بردن از شهر در برنامه‌ریزی‌های حکومتی مطرح شد.

دو خیابان متقاطع در اغلب شهرها به صورت اولین دسته از مداخلات برای حل مسئله گردش کالا و سرمایه ایجاد شد و این روند به تدریج ادامه یافت و ضمن ایجاد جدایی بین عناصر عمده شهری، سیما و چهره شهر را دگرگون نمود. خیابان‌های جدیدی نیز در خارج از بافت سنتی در نزدیکی دروازه‌ها و خندق‌های قدیمی شهرها ایجاد شدند. بازار به عنوان یکی از ارکان اقتصادی خودمختاری خود را از دست داد، بین عناصر فرهنگی جدایی افتاد و آنها به انزوا کشیده شدند. محلات شهری مفهوم قبلی خود را از دست دادند و زندگی شهری نیز دگرگون و غیرریشه‌ای شد. این نوع شهرنشینی و شهرگرایی که نتیجه مستقیم نفوذ سرمایه‌های خارجی بود، به هیچ وجه با گرایش‌های شهرنشینی دوران انقلاب صنعتی اروپا، که در آنجا شهر به همراه و به موازات توسعه صنعت دگرگون می‌شد، شباهتی نداشت.

با روی کار آمدن رضاشاه، اصلاحات و جراحی‌های کالبدی، تعریض معابر و صدور قوانین شهری ایجاد شد. شهرها محل استقرار و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رژیم بودند و باید بهترین و سریع‌ترین تحول را می‌پذیرفتند؛ زیرا پراکندگی روستاها و ساختار اجتماعی - فرهنگی این جوامع به صورتی بود که به آسانی پذیرای این دگرگونی نبودند؛ در نتیجه، بیشترین سرمایه‌گذاری‌های رژیم گذشته نیز در جهت ارتباط با مراکز تجاری با مراکز واسطه‌ای و در نهایت شهرهای توزیع‌کننده کالا بود، در صورتی که در این فاصله کمتر به روستا توجه می‌شد. در چنین روندی، شهرها به تغییرات و دگرگونی‌های آرام خود ادامه می‌دهند و تغییرات فیزیکی از یک طرح منسجم و به هم پیوسته برخوردار نیستند و شهرها به همراه خواست‌های حکومتی و شرایط سیاسی و تغییرات اقتصادی تغییر شکل می‌دهند. اولین طرح شهری که در اولین دوره به اجرا گذاشته شد، در شهر همدان در سال